

پرتویی از فضایل امیرمؤمنان علیه السلام در حدیث

لطف الله صافی گلپایگانی.

سخن مترجم

بسم الله الرحمن الرحيم

و اياه نستعين

گفتن و نوشتن درباره شخصیتی که برتر از وصف، بالاتر از اندیشه و بالاتر از جوهر کلام است و فضایل و مناقب ارزنده‌اش به قدری زیاد و فراوان است که قابل احصاء و احاطه نیست، کاری بسی دشوار، بلکه بدون هدایت خداوند سبحان غیر ممکن است.

در حدیثی از پیامبر اقدس صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به امیرمؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام آمده است:

ای علی! جز خدا و من کسی تو را آن‌سان که شایسته است، نشناخت.^[1]

ابعاد مختلف و به ظاهر متضاد وجود ذی جود آن حضرت را کسی می‌تواند درک و توصیف کند که از او بالاتر باشد یا همتای او. و به مصداق کلام معروف: «معرف باید اجلی از معرف باشد» چه می‌تواند بگوید انسان ملکی درباره انسانی ملکوتی که «فضائلش به شماره نمی‌آید»؟^[2] و بنابراین فرموده رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «اگر جنگل‌ها همه قلم و دریاها همه مرکب و پریان شمارشگر و انسان‌ها نگارگر شوند، نمی‌توانند

فضائل علی بن ابی‌طالب را برشمرند.»^[3]

از این رو، بی‌تردید بهترین و مستندترین منبع برای شناخت علی عَلَيْهِ السَّلَام، قرآن

مجید و سخنان نغز و شیرین رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.

با توجه به آنچه گفته شد بسیاری از نویسندگان بهتر آن دیده‌اند که سیمای درخشنده امیر مؤمنان علیه السلام را در آینه احادیث نبوی به نظاره بنشینند و بنگرند معلم و مربی امیر مؤمنان علیه السلام آن حضرت را چگونه معرفی و توصیف می‌کند. یکی از عالمان برجسته که بیان فضائل، ویژگی‌ها و برجستگی‌های امام امیر المؤمنین علی رامدنظر داشته و به بازشماری قطره‌ای از دریای بیکران فضائل امام علیه السلام از لسان گهربار نبی مکرم صلی الله علیه و آله از کتب و منابع عامه پرداخته است، آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی دام ظلّه الوارف است. چرا این کتاب را ترجمه کردیم؟

چون ترجمه این گونه کتاب‌های پر ارج برای شیعیانی که نمی‌توانند از منابع عربی استفاده کنند، سود بخش خواهد بود. زیرا مایه استواری ساختارهای اعتقادی و داد و اعتماد آنان شده و به جانشان نورانیت و به دلشان صفا و به اندیشه‌شان روشنایی و به خود آنان آگاهی می‌بخشد، صاحب این قلم از سر عشق و ارادتی که به سرور پرهیزکاران و امیرجان مؤمنان

داشت، و بر حسب وظیفه، با استمداد از عنایت ایزدی به ترجمه آن پرداخت تا آن عده از برادران و خواهران ایمانی که بهره کافی از زبان عربی ندارند از این کتاب ارزشمند بی‌نصیب نمانند.

کاری که ما در این اثر انجام داده‌ایم

علاوه بر ترجمه، برای احادیث کتاب، تیترا گذاشته و فهرست منابع را به طور مستقل در پایان کتاب افزودیم. در موارد معدودی توضیحاتی را در متن یا پانویس، داخل \square آورده‌ایم.

امید است این خدمت ناچیز در پیشگاه با عظمت حضرت بقیة الله الاعظم
امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مقبول افتد و مؤلف محترم، مترجم و
ناشر مشمول رحمت بیکران حق تعالی و عنایات خاصه ولی او قرار گیرند. بمنّه
و کرمه.

قم / آشیانه آل محمد ﷺ

ناصر باقری بیدهندی

مقدمه مؤلف

بنام خداوند بخشنده مهرورز
وَ مَاذَا يَقُولُ النَّاسُ فِي مَدْحٍ مَنْ أَتَتْ
مَدَائِحُهُ الْعَرَاءُ فِي مُحْكَمِ الذِّكْرِ

چه می‌توان گفت در مدح شخصیتی که مدح و منقبت بلندش در قرآن کریم آمده است.

سکوت معنی‌دار فصحا و بلغا و علما و حکما و عرفا و اولیاء از ذکر مناقب امام امیر المؤمنین علیه السلام - برادر رسول خدا، همسر فاطمه زهرا، داناترین مردم، کسی که در خداشناسی و عبادت پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برترین شخصیت است - گویاتر از مدیحت‌سرایی و ذکر فضائل و مناقب و مراتب رفیع و مقامات والا و حضور شکوهمند او در صحنه‌های مختلف و معجزات آشکار و عجائب زندگی اوست.

از این رو اعتراف به عجز در پیشگاه مقدس و با عظمت آن حضرت برای همگان بهتر است. سروری که رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطابی درباره‌اش فرمود: «اگر انسان‌ها نویسنده و پریان حسابگر شوند، نمی‌توانند فضائلت را بنگارند.»
امیر المؤمنین علیه السلام شخصیتی است که خداوند متعال فضائلی غیر قابل شمارش برایش قرار داد. فرزانه‌ای که پروردگار سبحان در شب معراج با پیامبرش با صدای دلربای حضرت علی علیه السلام تکلم کرد.^[4]

همو که بعضی اصحاب در فراوانی فضائلش گفته‌اند: «علی سوابق درخشانی دارد که اگر سابقه‌ای از آن را بین همه آفریدگان توزیع کنند همه به خیر می‌رسند.»^[5]

آن حضرت، بزرگترین نشانه خدای متعال و علم و قدرت و سائر صفات برجسته اوست و در عالم امکان مانندی جز پسر عمش رسول خدا ﷺ ندارد. همو که حضرت رسول ﷺ حامی بی‌نظیر او بود. آن سرور اسوه جانفشانی و در نصرت حق و اقامه عدل، یگانه و در اعلاء کلمة الله فوق العاده بود. با ضعفا ترحم و با فقرا مواساتی عظیم داشت. از خدای متعال خوفی فراوان بر دل داشت. و افصح و ابلغ همگان بود و در خوراک و پوشاک و در تمامی احوال و افعال با عظمت بود.

بلند مرتبه است خدای علی مرتبه عظیم، آفریننده چنین انسانی و ودیعت گذارنده این عظمت‌ها و کمالات در این آفریننده.

بزرگ است خدایی که چنین انسانی در مقابل عظمتش کُرنش می‌کند و در مقابل جلال و جبروت و سلطنتش خود را کوچک می‌داند و از کبریایی‌اش خائف و ترسان است و در مقابل ذات پاکش به عجز و فقر اعتراف دارد. و اوست کسی که گفت:

الهی کفی لی عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا، وَ كَفَى لِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا

خدای من همین عزت مرا بس که بنده تو باشم و برای من افتخار همین بس که تو خدای منی.

اوست ممسوس در ذات حق، و بسیار گریان از خشیت الهی و مجاهد در راه خدا. اوست صراط مستقیم و عروة الوثقی و حبل الله متین، و میزان اعمال، و

تقسیم‌گر بهشت و دوزخ، و دست باز خداوندی و دیده بینای حق و حجت بالغه‌اش.

حضرت امیر علیه السلام در نامه‌ای که به معاویه نوشت فرمود:

فَأَنَا صَنَائِعُ رَبِّنا وَ النَّاسُ بَعْدُ صَنَائِعُ لَنَا

ما ساخته و تربیت یافته مستقیم پروردگاریم و مردم تربیت شده ما هستند. ابن ابی الحدید در ذیل آن می‌نویسد: «این سخن بزرگ و برترین سخن است و معنایش سرآمد معانی، و ساخته و پرداخته خداوندگاری که خدایش صانع اوست و منزلتش را رفیع و سرآمد مصنوعات نمود.

حضرت می‌فرماید: احدی از انسان‌ها بر ما نعمت ندارد، تنها خداست که بر ما نعمت داده است. بین ما و بین او واسطه‌ای در کار نیست. دیگران به وسیله ما تربیت شده‌اند و ما واسطه بین خدا و آنان هستیم و این مقام بلندی است. ظاهرش این است که شنیدی، و باطنش آن است که آنان بندگان خدا هستند و مردم بنده آنان.»^[6]

و از سوی دیگر صاحب این مفاخر عظیم را می‌بینیم که از خوف خدا چون مارگزیده به خود می‌پیچد!

و آن گونه که بعضی از یارانش [ضرار پسر حمزه ضبابی^[7] او را توصیف کرده دارای چشمی گریان، و متفکر بود وقتی با خود خلوت می‌کرد به محاسبه نفس می‌پرداخت.

و می‌گفت: «آه از کمی زاد و توشه و دوری راه و کمی انس، علی را با نعمت‌های فناپذیر و لذت‌های زودگذر چه کار؟» و می‌فرمود: «بدان که امام شما از دنیای خود به دو پاره تن پوش و از خوردنی‌هایش به دو قرص نان، بسنده کرده است به خدا قسم! از دنیایان شمش طلائی، و از غنایمش ثروتی

نیندوخته‌ام و حتی این پیراهنی که پوشیده‌ام را تن پوش دیگری فراهم
نکرده‌ام.»^[8]

چه بگوییم از نفس پیامبر که رسول خدا ﷺ درباره‌اش فرموده بود: «تو
می‌شنوی آنچه من می‌شنوم و می‌بینی آنچه من می‌بینم جز آنکه تو نبی
نیستی.»^[9]

از این رو آنچه ما درباره امیر المؤمنین و مولی‌الموحدین می‌گوییم چون
قطره‌ای است در مقابل دریا و ذره‌ای است در مقابل خورشید. پس عقول
جهانیان و زبان ستایش‌گران، کوچک‌تر و نارساتر از آن است که حق این امام
همام را ادا کند.

لکن از همان آغاز که خود را شناختم نسبت به یادمان آن
حضرت و فرزندان گرامش حرص و ولع داشتم و این امر به مرور ایام و
گذشت سال‌ها فزونی می‌یافت و شوقم بیشتر می‌شد و قلبم به مطالعه احادیث و
آثار و استماع مناقب و مدایحشان نورانی می‌گردید.

و گویا شاعر، این اشعار را به زبان حال من سروده است:

حب آل الرسول خالط عظمی و جری	فی مفاصلی فاعذرونی
أنا والله مغرم بهواهم عللونی	بذکرهم عللونی
لا عذب الله أممی آنها شربت حب	الوصی وغذتی به باللبن
کان لی والد یهوی أبا حسن فصرت	من ذی وذا أهوی أبا حسن

«محبت خاندان پیامبر با استخوانم در آمیخته و در مفاصلم جریان پیدا کرده

پس مرا معذور دارید.

خدا را سوگند که من شیفته آنان هستم.

با یاد آنان مرا از خود، بی خود کنید.

مادرم را عذاب خدا فرا نگیرد که جام عشق علی پیمود و از راه شیر به کامم
فرو ریخت.»

و پدری داشتم شیفته ابو الحسن علی، و مرا شیفتگی علی از این پدر و مادر
به ارث است.

در این کتاب صد و ده [10] حدیث در مناقب حضرت از جوامع حدیثی اهل
سنت از مسانید و صحاح سته و غیر آنها به گزین کردم و آن را «قبس من
مناقب امیر المؤمنین» نامیدم.

ناگفته نماند که احادیث وارده در کتاب‌های اهل سنت درباره حضرت علی
علیه السلام فوق العاده فراوان است. به رعایت اختصار و این که گفته‌اند گاه مختصر
مفید، انسان منصف بصیر را از مراجعه به موسوعه‌های بزرگ و مجلات متعدد
بی‌نیازی کند؛ بر این تعداد بسنده کردم و اوست یاور و مددکار.

و حمد ویژه خدایی است که ما را بدین موهبت عظمی رهنمون شده و اگر
هدایت الهی نبود ما بدین امر هدایت نمی‌شدیم. و صلی الله علی سید الانبیاء و
المرسلین ابی القاسم محمد و آله الطاهیرین.

و دوست دارم این مقدمه را به مُشک صلوات بر محمد و آل با نقل این ابیات
خاتمه بخشم:

یا ربّ صل علی النبی وآله أذکی	الصلاة وخیرها والأطیبا
یا ربّ صل علی النبی وآلهما	اهتزت الأثلاث من نفس الصبا
یا ربّ صل علی النبی وآلهما	لاح برق فی الأباطح أوحبا
یا ربّ صل علی النبی وآلهما	قال ذو کرم لضيف مرحبا
یا ربّ صل علی النبی وآلهما	أمت الزوار طيبة یشربا

يا ربّ صل على النبي وآلهما غردت في الإيكة ساجعة الربا
يا ربّ صل على النبي وآلهما كوكب في الجو قابل كوكبا
يا ربّ صل على النبي وآلهسفن النجاة الغر أصحاب العبا
يا ربّ صل على النبي وآله في الحشر إذ يتساءلون عن النبي^[11]

بار الها! بر پیامبر و آلش درود فرست.

پاکیزه‌ترین و بهترین و شایسته‌ترین درودها را.

پروردگارا! بر پیامبر و آلش درود فرست.

مادامی که درخت اثلث از نفس باد صبا در اهتزاز است.

خداوندا! بر پیامبر و خاندانش درود فرست.

تا زمانی که آذرخشی در زمین‌های هموار بدرخشد.

ایزدا! بر پیامبر و آلش درود فرست.

تا آن‌گاه که انسان کریمی به میهمان خود خوش‌آمد گوید.

خداوندا! بر رسول خود و خاندانش درود فرست.

تا موقعی که زائری هست که آهنگ یشرب کند.

بار پروردگارا! بر پیامبر اعظم و خاندانش درود فرست.

تا لحظه‌ای که پرنده خوش‌خوان بر شاخسار درخت بخواند.

بار الها! بر حضرت رسول و عترتش درود فرست.

مادام که در آسمان ستاره‌ای در مقابل ستاره‌ای قرار می‌گیرد.

خداوندا! بر پیامبر و آلش درود فرست.

[همان کشتی‌های نجات و اصحاب عبا.

و قرار بده آنان را شفیعان ما.

در روز رستاخیز آن‌گاه که می‌پرسند از خبرها.

علی علیه السلام امیر غدیر

عن زید بن أرقم و جماعة من الصحابة، قال رسول الله صلى الله عليه و آله:
مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ و عَادِ مَنْ عَادَاهُ.

زید بن أرقم و گروهی از صحابه روایت کرده‌اند که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

فرمود:

هر کس را که من مولای او هستم علی نیز مولای اوست. خدایا یاران او را

یاری و دشمنانش را دشمن بدار. ^[12]

علی علیه السلام هادی امت

عن ابن عباس: قال رسول الله ﷺ :
أَنَا الْمُنذِرُ وَعَلَى هَادِي - وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى عَلِيٍّ وَقَالَ - : بِكَ يَهْتَدِي الْمُهْتَدُونَ.
ابن عباس از رسول خدا ﷺ روایت کرده که آن سرور فرمود:
من بیم دهنده ام و علی هدایت کننده - و با دستش به علی علیه السلام اشاره کرده،
فرمودند: به واسطه تو هدایت شوندگان راه می یابند و هدایت می شوند.^[13]

ورود به شهر علم پیامبر صلی الله علیه و آله

عن علی علیه السلام و ابن عباس و جابر بن عبدالله: قال ﷺ :
أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بِأُيُوبَ، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ.
علی علیه السلام و ابن عباس و جابر بن عبدالله روایت کرده اند که پیامبر اکرم
ﷺ فرمود:
من شهر علمم و علی دروازه آن، پس هر کس طالب علم باشد از دروازه آن
وارد شود.^[14]

علی علیه السلام دو کفه ترازوی علم پیامبر صلی الله علیه و آله

عن ابن عباس: قال رسول الله ﷺ:

أَنَا مِيزَانُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ كَفَّتَاهُ، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ خِيُوطُهُ، وَفَاطِمَةُ عِلَاقَتُهُ، وَالْأَيْمَةُ
مِنْ بَعْدِي عَمُودُهُ، يُوزَنُ بِهِ أَعْمَالُ الْمُحِبِّينَ لَنَا وَالْمُبْغِضِينَ لَنَا.

ابن عباس از رسول خدا ﷺ روایت کرده است که حضرت فرمود:

من میزان علمم، و علی دو کفه اش، و حسن و حسین بنده هایش و فاطمه
آویزه (شاهینش)، و امامان بعدی دستگیره آن هستند، که در آن کارهای محبان
و دشمنان ما وزن و سنجیده می شود.^[15]

یاد علی علیه السلام عبادت است

عن عائشة و ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله :
ذَكَرْتُ عَلِيَّ عِبَادَةً.

عائشه و ابن عباس از رسول اکرم ﷺ روایت کرده‌اند که فرمود:
یاد کردن از علی عبادت است.^[16]

[توضیح: مناوی گوید: یعنی عبادت خداست و خدا در برابر آن پاداش
می‌دهد.]

پیغمبر و علی علیهما السلام از یک ریشه‌اند

عن ابن عباس، قال رسول الله ﷺ :
أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ، وَالنَّاسُ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّى.
ابن عباس از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند:

من و علی از یک درخت آفریده شدیم و مردم از درختان متعدد.^[17]

[توضیح: ریشه نسبی مقصود نیست. «اشاره به نور نبوت و ولایت است که از
این دو از ازل یک جلوه می‌کردند هنگامی که این نور نبوت و ولایت به صلب
عبدالمطلب رسید، از هم جدا شده، یکی به پشت ابوطالب منتقل گردید و
دیگری در صلب عبدالله.»]

کارزار علی علیه السلام بر تأویل قرآن

عن وهب بن صیفی: قال رسول الله ﷺ:

أَنَا أَقَاتِلُ عَلَى تَنْزِيلِ الْقُرْآنِ، وَعَلَى يُقَاتِلُ عَلَى تَأْوِيلِ الْقُرْآنِ.

وهب بن صیفی از رسول خدا ﷺ روایت کرده است که حضرت فرمود:

من برای تنزیل قرآن کارزار می‌کنم و علی در ارتباط با تأویل آن نبرد

می‌کند. [18]

[توضیح: یکی از معاصران در ذیل حدیث فوق این بیان را دارد:

مراد از تنزیل قرآن، تصدیق به وحی بودن آن است که پیغمبر برای آن جهاد

کرد؛ و مراد از تأویل قرآن، فهم صحیح آن و عمل کردن به احکام آن است، که

علی در جنگ جمل و صفین و نهروان انجام داد. (عترت ثقل کبیر، ص 196)]

من به درختی مانم که ...

عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أَنَا شَجْرَةٌ، وَفَاطِمَةُ حِمْلُهَا، وَعَلِيُّ لِقَاحُهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثَمَرَتُهَا، وَالْمُحِبُّونَ

أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَفُفَهَا مِنَ الْجَنَّةِ حَقًّا حَقًّا.

ابن عباس از رسول خدا ﷺ روایت کرده که حضرت فرمود:

من به درختی مانم که فاطمه باردان آن و علی بارور سازنده آن، حسن و

حسین میوه آن و دوستاناران خاندانم برگ‌های آن درخت‌اند که آن درخت و

توابعش از بهشت‌اند. [19]

علی علیه السلام حجت خدا بر بندگان

عن أنس: قال رسول الله ﷺ :

أَنَا وَعَلِيٌّ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ.

انس از رسول خدا ﷺ روایت کرده که حضرت فرمود:

من و علی حجت خدا بر بندگانش می باشیم.^[20]

افتخار به علی علیه السلام

عن جابر: قال رسول الله ﷺ :

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُبَاهِي بَعْلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ كُلَّ يَوْمٍ الْمَلَائِكَةُ الْمُقْرَبِينَ حَتَّى يَقُولَ: بَخٌّ بَخٌّ هَنِيئًا لَكَ يَا عَلِيُّ.

جابر از رسول خدا ﷺ روایت کرده که حضرت فرمود:

خداوند با عزت و جلال هر روز بر فرشتگان مقربش به علی بن ابی طالب

افتخار می کند. تا آنجا که می گوید: «به به! ای علی گوارا باد بر تو.»^[21]

بشارت به علی علیه السلام

عن شراحیل بن مره قال: سمعت رسول الله ﷺ :
أُبَشِّرُ يَا عَلِيُّ حَيَاتِكَ مَعِيَ وَمَوْتِكَ مَعِيَ.
شراحیل فرزند مره گوید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود:
ای علی! بشارتت باد که زندگی و مرگ تو با من است.^[22]

جواز عبور از صراط

عن أبي بكر قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول:
لَا يَجُوزُ أَحَدٌ الصِّرَاطَ إِلَّا مَنْ كَتَبَ لَهُ عَلَيْنِ الْجَوَازَ.
ابوبکر گوید: شنیدم رسول خدا ﷺ می فرمود:
احدی از پل صراط نمی گذرد جز کسی که از علی جواز عبور داشته باشد.^[23]

همراه با پیامبر در بهشت

عن عمر، قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول لعلی: يا علیُّ یدُکَ فی یدِی تَدْخُلُ مَعِیَ الْجَنَّةَ حَیْثُ أُدْخِلُ.
از عمر بن خطاب نقل است که گفت: شنیدم پیامبر اکرم ﷺ به علی فرمود:

ای علی! روز قیامت در حالی که دست تو در دست من باشد وارد بهشت می شوی و من هر کجا که داخل شدم، وارد خواهی شد.^[24]

دشمنی علی علیه السلام و خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله

عن جابر بن عبد الله، عن رسول الله ﷺ: ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَلَيْسَ مِنِّي وَلَا أَنَا مِنْهُ: بُغْضُ عَلِيٍّ، وَبُغْضُ أَهْلِ بَيْتِي، وَمَنْ قَالَ: الْإِيمَانُ كَلَامٌ.

جابر بن عبدالله از رسول خدا ﷺ روایت کرده که حضرت فرمود: سه چیز است در هر که باشد از من نیست و من از او بیزارم: دشمنی علی، بغض خاندانم و هر کس معتقد است که ایمان صرف گفتار می باشد.^[25]

بهشت آرزوی دیدار امام علی علیه السلام را دارد

عن أنس: قال رسول الله ﷺ :

ثَلَاثَةٌ تَشْتَاقُ إِلَيْهِمُ الْجَنَّةُ: عَلِيٌّ وَعَمَّارٌ وَسَلْمَانٌ.

انس از رسول خدا ﷺ روایت کرده است که حضرت فرمود:

بهشت در آرزوی دیدار سه تن به سر می برد: علی، عمار و سلمان.^[26]

حق امام علی علیه السلام بر عهده مسلمانان

عن جابر: قال رسول الله ﷺ :

حَقُّ عَلِيٍّ بِنِ ابِي طَالِبٍ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ كَحَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ.

جابر از رسول خدا ﷺ روایت کرده که حضرت فرمود:

حق علی بن ابی طالب بر مسلمانان چون حق پدر است بر فرزندش.^[27]

محبت امام علی علیه السلام، نابودکننده گناهان

عن ابن عباس: قال رسول الله ﷺ :
حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ يَأْكُلُ الذُّنُوبَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ.
از ابن عباس نقل شده که رسول اکرم ﷺ فرمود:
دوستی علی بن ابی طالب گناهان را می خورد چنانچه آتش، هیزم را.^[28]

دوستی امام علی علیه السلام برائت از آتش

عن عمر بن خطاب: قال رسول الله ﷺ :
حُبُّ عَلِيٍّ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ.
از عمر بن خطاب روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود:
محبت علی مایه دوری از آتش دوزخ است.^[29]

محبت امام علی علیه السلام عمل صالح است

عن معاذ بن جبل: قال رسول الله ﷺ :

حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ لَا يَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ، وَبُغْضُهُ سَيِّئَةٌ لَا تَنْفَعُ مَعَهَا حَسَنَةٌ.

معاذ بن جبل از رسول خدا ﷺ روایت می‌کند که حضرت فرمود:

محبت علی بن ابی طالب حسنه‌ای است که با وجود آن، گناه زیان نمی‌رساند، و دشمنی او گناهی است که با وجود آن، هیچ عمل نیکی سودی نمی‌بخشد.^[30]

[توضیح: زمخشری در توضیح این گونه احادیث می‌نویسد: زیرا دوستی علی

علیه السلام ایمان کامل است و با ایمان کامل گناهان ضرری نمی‌زنند.]

امام علی علیه السلام دوست رسول خدا صلی الله علیه و آله

عن عائشة: قال رسول الله ﷺ و هو فی بیته لما حضره الموت:
ادعوا لی حبیبی. فدعوتُ أبابکر، فنظرَ إلیه رسولُ الله ﷺ ثمَّ وضعَ رأسه، ثمَّ
قال: ادعوا لی حبیبی. فقلتُ: ویلکم ادعوا له علی بن ابی طالب، فوالله ما یریده
غیره، فلما رآه أستوی جالساً، و خرج الثوبَ الَّذی کان علیهِ، ثمَّ ادخله فیهِ، فلمَّ
یزل یحتضنه حتی قبضَ و یده علیهِ.

از عایشه نقل است که رسول خدا ﷺ در مرضی که بدان وفات یافت در
بیت من بود که فرمود:

حبیب مرا به نزدم بیاورید. من (یدرم) ابوبکر را دعوت کردم. پیامبر ﷺ
بدو نگرست و آن گاه سر خود را بر بالین نهاد و همان سخن را تکرار کرده
فرمود: «حبیب مرا به نزدم بیاورید». به حاضران گفتم: وای بر شما علی بن
ابی طالب را نزد او آورید که به خدا سوگند جز او کسی را نمی طلبد! چون علی
را مشاهده کرد از بستر جدا شد و پوششی را که بر رویش بود عقب زد و علی
را در

زیر آن برد و همچنان او را در آغوش داشت تا از دنیا رحلت کرد در حالی
که دستش بر بدن علی بود.^[31]

محبوب‌ترین مردم نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله

عن معاذ الغفاریة:

كُنْتُ أَنيساً لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَخْرَجُ مَعَهُ فِي الْأَسْفَارِ، أَقُومُ عَلَى الْمَرْضَى، وَ
أَدَاوِي الْجَرْحَى. فَدَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بَيْتِ عَائِشَةَ وَعَلَى خَارِجٍ مِنْ
عِنْدِهَا، فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ لِعَائِشَةَ: إِنَّ هَذَا أَحَبُّ الرِّجَالِ إِلَيَّ وَأَكْرَمُهُمْ عَلَيَّ، فَأَعْرِفِي لِي
حَقَّهُ، وَأَكْرِمِي مَثْوَاهُ.

از معاذ غفاری روایت است که گفت:

من انیس و همدم رسول خدا ﷺ بودم به طوری که با ایشان به سفرها
می‌رفتم، و از سوی آن جناب بر بالای سر مریض‌ها حاضر می‌شدم، و جراحت
زخم‌خوردگان را مداوا می‌کردم. روزی به دیدار پیامبر که در بیت عایشه بود
رفتم در این هنگام علی در خارج از منزل حضور داشت. شنیدم حضرت،
سفارش علی را به عایشه می‌کرد و فرمود: «این محبوب‌ترین مردان نزد من و
گرامی‌ترین آنها برای من است، پس به خاطر من حق او را بشناس و
جایگاه او را گرامی بدار.»^[32]

کامروایان رستاخیز

عن أمّ سلمة: قال رسول الله ﷺ :
عَلَىٰ وَشِيعَتُهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.
از امّ سلمه روایت شده که پیامبر اکرم ﷺ فرمود:
علی و پیروانش در روز قیامت رستگاران اند.^[33]

[نکته: از این گونه احادیث که کلمه «شیعه» به زبان مبارک پیامبر اعظم ﷺ صادر شده می‌توان فهمید که نخستین کسی که بذر تشیع را در سرزمین اسلام پاشیده، شخص رسول خدا ﷺ بوده است.]

مَحْرَمِ اسرارِ پیامبرِ صلی الله علیه و آله

عن سلمان: قال رسول الله ﷺ :
صَاحِبُ سِرِّي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.
از سلمان روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود:
صاحب سر من علی بن ابی طالب است.^[34]

بهترین راستگویان (صدیق اعظم)

عن داود بن بلال بن أجنحة: قال رسول الله ﷺ :
الصدِّيقون ثلاثة: حبيب النجار، و حزقيل مؤمن آل فرعون، و علي بن أبي
طالب، و الثالث أفضلهم.

داود بن بلال بن اجنحه روایت کرده که رسول اکرم ﷺ فرمود:
صدیقین سه نفرند: حبیب نجار، حزقیل مؤمن آل فرعون، علی بن ابی طالب
که از همه آنها با فضیلت تر است.^[35]

[توضیح: حبیب، فردی است که از جای دور دست شهر با شتاب آمد و مردم
انطاکیه را پند داد که از فرشتگان خدا پیروی کنید. داستانش در سوره مبارکه
یس است.

مؤمن آل فرعون همان است که ایمانش را از فرعونیان پنهان می‌داشت و
آنان را از مخالفت با موسی ﷺ باز
می‌داشت و می‌گفت: «آیا مردی را می‌کشید که می‌گوید پروردگارم
خداست؟»]

حامل لوای حمد

عن محدوج بن زید الذهلی - فی حدیث - : قال النبی ﷺ لعلی :
أَلَا وَإِنِّي أَخْبِرُكَ يَا عَلِيُّ إِنَّ أُمَّتِي أَوَّلُ الْأُمَّمِ يُحَاسِبُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، ثُمَّ ابْشِرْكَ
بِأَنَّكَ أَوَّلُ مَنْ يُدْعَى لِقَرَابَتِكَ مِنِّي وَمَنْزِلَتِكَ عِنْدِي فَيُدْفَعُ إِلَيْكَ لَوَائِي لِوَاءِ الْحَمْدِ
وَ هُوَ أَوَّلُ لَوَاءٍ يُسَارُ بِهِ بَيْنَ السَّمَاوَاتِينَ؛ آدَمُ وَ جَمِيعُ خَلْقِ اللَّهِ يَسْتَنْظِلُونَ بِظِلِّ لَوَائِي
يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

محدوج بن زید ذهلی در ضمن حدیثی نقل می‌کند که رسول خدا - که درود
خدا بر او و خاندانش باد -، به علی عَلِيٌّ فرموده است:

آگاه باش امتم نخستین امت‌هاست که در رستاخیز محاسبه می‌شوند، بشارت
باد که تو به لحاظ قرابت و خویشاوندی که با من داری و به جهت موقعیت و
منزلتی که پیش من داری اولین کس هستی که خوانده می‌شوی و پرچم حمد من
در اختیارت گذاشته می‌شود و آن نخستین پرچمی است که در
بین دو گروه به اهتزاز در می‌آید. همه آفریدگان، روز رستاخیز در سایه
پرچم من اند. ^[36]

منزلت علی علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله

عن عمران بن حصین: قال رسول الله ﷺ :

عَلِيٌّ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ، وَ هُوَ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ بَعْدِي.

از عمران بن حصین روایت شده است که پیامبر خدا ﷺ فرمود:

علی از من است و من از او هستم، و او سرپرست هر مؤمنی بعد از من

است. [37]

همانند هارون علیه السلام نسبت به موسی علیه السلام

عن عمر و أنس و جابر بن عبدالله و غیر هم: قال رسول الله ﷺ :

عَلِيٌّ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي).

از عمر و انس و جابر بن عبدالله و غیر آنان روایت است که پیامبر ﷺ

فرمود:

نسبت علی به من همان نسبتی است که هارون به موسی داشت منهای

نبوت. [38]

عینیت با پیامبر صلی الله علیه و آله

عن ابن عباس: قال رسول الله ﷺ :

عَلِيٌّ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ رَأْسِي مِنْ بَدَنِي.

از ابن عباس روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود:

علی، به منزله سر از جسد است.^[39]

[علامه مناوی در شرح آن می نویسد: این سخن مبالغه در شدت اتصال و

پیوند آنها با یکدیگر است.]

چون ستاره صبح می درخشد

عن أنس: قال رسول الله ﷺ :

عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ يَزْهَرُ فِي الْجَنَّةِ كَكَوْكَبِ الصُّبْحِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا.

از انس روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود:

علی بن ابی طالب در بهشت می درخشد چنان که ستاره صبحگاهی بر اهل

دنیا می درخشد.^[40]

علی علیه السلام در آمرزش الهی

عن ابن عباس: قال رسول الله ﷺ :

عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ بَابُ حِطَّةٍ، مَنْ دَخَلَ مِنْهُ كَانَ مُؤْمِنًا، وَمَنْ خَرَجَ مِنْهُ كَانَ كَافِرًا.

از ابن عباس روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود:

علی بن ابی طالب باب حطه بنی اسرائیل است کسی که از آن در وارد شود مؤمن است و کسی که از او خارج گردد کافر است.^[41]

[توضیح: لفظ حطه دو بار در قرآن به کار رفته است: سوره بقره، آیه 58 و سوره اعراف، آیه 161 و هر دو درباره بنی اسرائیل است. باب حطه آن دری بود که بنی اسرائیل با وارد شدن از آن، در امان بودند. شاید وجه شبه در حدیث چنین باشد که آن باب مظهر فروتنی در مقابل ذات لایزال الهی و قوانین اوست. انقیاد از علی عليه السلام هم، چنین است.

مقصود از «خرج منه»، «خرج علیه» است. یعنی کسی که بر او خروج کند.

نیز نک: فیض القدر، ج 4، ص 356]

تقسیم‌گر آتش دوزخ

عن حذیفة: قال رسول الله ﷺ :

عَلَى قَسِيمِ النَّارِ.

از حذیفة روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود:

علی تقسیم‌گر آتش دوزخ است.^[42]

نخستین گروه بهشتی

عن علی عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَخْبَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :
إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ أَنَا وَفَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ .
فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَمُحِبُّونَا؟ قَالَ: مِنْ وَرَائِكُمْ .
از علی نقل است که فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به من فرمود:
همانا نخستین گروهی که به بهشت در آیند من و فاطمه و حسن و حسین
می باشیم.

پرسیدم: «دوستداران ما چه موقعیتی دارند؟»

فرمود: «ایشان به دنبال سر شما وارد بهشت می شوند.»^[43]

خدایا! دوستش بدار

عن انس بن مالک اهدی لرسول الله ﷺ طیر فقال:

اللَّهُمَّ أَنْتَنِي بِرَجُلٍ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَ يُحِبُّهُ رَسُولُهُ، قَالَ أَنَسٌ: فَاتَى عَلِيًّا فَقَرَعَ الْبَابَ فَقُلْتُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَشْغُولٌ وَ كُنْتُ أَحِبُّ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْأَنْصَارِ ثُمَّ، إِنَّ عَلِيًّا فَعَلَ مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ أَتَى الثَّالِثَةَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا أَنَسُ أَدْخِلْهُ فَقَدْ عَنَيْتُهُ فَلَمَّا أَقْبَلَ قَالَ: اللَّهُمَّ وَالِ اللَّهُمَّ وَالِ.

از انس بن مالک روایت شده: پرنده کباب شده‌ای برای رسول خدا

هدیه آوردند حضرت فرمود: ﷺ

خدایا مردی را برسان که خدا او را دوست می‌دارد و پیامبر نیز او را دوست

می‌دارد تا با من در خوردن این مرغ بریان شریک شود.

انس گوید: «ناگهان علی در را کوفته تا بر پیامبر ﷺ وارد شود.» گفتم:

«رسول خدا ﷺ سرگرم کاری است و دوست داشتم شخصی که می‌آید از

انصار (مردم مدینه) باشد.» طولی نکشید بار دیگر علی در را به صدا درآورد،

سومین بار نیز علی در را زد. در این هنگام پیامبر فرمود: «در را باز کن که

من در دعایم او را قصد کردم.» و چون علی به نزد رسول خدا رسید پیامبر اکرم

گفت: «خداوندا! دوستش بدار، خداوندا! دوستش بدار.»^[44]

پیشوای اهل تقوا

عن عبدالله بن حکیم الجهنی: قال رسول الله ﷺ:
إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَوْحَى إِلَيَّ فِي عَلِيٍّ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ لَيْلَةَ اسْرِي: إِنَّهُ سَيِّدُ الْمُؤْمِنِينَ،
وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ.

از عبدالله بن حکیم جهنی روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود:
خداوند، در مورد علی در شب معراج سه نکته را وحی فرمود: «این که او
سید و سرور مؤمنان و پیشوای پروا پیشگان و فرمانده سپید جبینان است.»^[45]

علی علیه السلام در بهشت

قال رسول الله ﷺ :

فَاطِمَةُ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ فِي قُبَّةٍ بَيْضَاءَ سَقَفُهَا عَرْشُ
الرَّحْمَانِ عَزَّ وَجَلَّ.

رسول خدا ﷺ فرمود:

فاطمه و علی و حسن و حسین عليهم السلام در حظیره قدس (جایگاه قدس) در
گنبد سفید رنگی که سقفش به عرش خداوندی منتهی می شود جای داده

شده اند.^[46]

سهم علی علیه السلام از حکمت الهی

عن ابن مسعود: قال رسول الله ﷺ :

قُسِّمَتِ الْحِكْمَةُ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ فَأَعْطِيَ عَلِيٌّ تِسْعَةً وَاعْطِيَ النَّاسُ جُزْءًا وَاحِدًا.

از ابن مسعود روایت شده است که رسول خدا ﷺ فرمود:

حکمت به ده بخش تفسیم شده که نه جزء آن به علی اختصاص یافته است و

یک بخش باقیمانده به بقیه مردم موهبت گردیده است.^[47]

علی علیه السلام و قرآن

عن أم سلمة، قال رسول الله ﷺ :

عَلِيُّ مَعَ الْقُرْآنِ، وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ، لَا يَفْتَرَقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضَ.

ام سلمه نقل می کند که رسول خدا ﷺ فرمود:

علی با قرآن است، و قرآن با علی است، و از یکدیگر جدا نمی شوند تا آنکه

در روز قیامت کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.^[48]

معیار ایمان و نفاق

عن أبي ذر: قال رسول الله ﷺ عليُّ بابُ علمي، ومُبينُ لأمّتي ما أرسلتُ به من بعدى. حُبُّه إيمانٌ، وُبُغْضُهُ نفاقٌ، والنَّظَرُ إليه رَأْفَةٌ وَ مَوَدَّتُهُ عِبَادَةٌ.

از ابوذر روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود:

علی دروازه دانش من است، و پس از من، تبیین کننده رسالتم (دین خدا) برای امتم خواهد بود؛ دوستی اش ایمان و دشمنی اش نفاق و دورویی است، و نگرستن به رخسارش از روی رأفت و مودت، عبادت است.^[49]

پیامبر و علی علیهما السلام از یک نورند

عن سلمان: قال رسول الله ﷺ :

كنتُ أنا و عليُّ نوراً بينَ يدي الله عزَّ وجلَّ مُعلَّقاً، يُسبِّحُ اللهَ ذلكَ النُّورُ و يُقدِّسُهُ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللهُ آدمَ بأربعةِ (عشر) ألفِ عامٍ، فلَمَّا خَلَقَ اللهُ عزَّ وجلَّ آدمَ رَكَّبَ ذلكَ النُّورَ في صُلْبِهِ فَلَمْ نَزَلْ في شيءٍ واحدٍ حتَّى افترقنا في صُلْبِ عَبْدِ الْمُطَلِّبِ فَجُزءٌ أنا و جُزءٌ عليٌّ.

از سلمان فارسی روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود:

من و علی در پیشگاه الهی به صورت نوری معلق بودیم؛ آن نور، تسبیح و تقدیس خدا را می کرد. [تسبیح یعنی تنزیه و گفتن سبحان الله. تقدیس یعنی خدا را بدون هر عیب و نقص دانستن چهار (ده) هزار سال پیش از آن که آدم را

بیافریند. چون حضرت آدم را خلق کرد آن نور را در صلب او قرار داد، ما پیوسته با هم در یک چیز بودیم تا آن که در پشت عبدالمطلب از یکدیگر جدا شدیم یک جزء

آن من و جزء دیگر آن علی شد. [من در نبوت بروز کردم و علی در خلافت

[50]

نامیده شدن علی علیه السلام به امیر مؤمنان

عن حذیفة: قال رسول الله صلى الله عليه وآله :

لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَتَى سُمِّيَ عَلِيٌّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا أَنْكَرُوا فَضْلَهُ، سُمِّيَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ آدَمُ بَيْنَ الرُّوحِ وَ الْجَسَدِ. قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: «بَلَى» فَقَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «أَنَا رَبُّكُمْ وَ مُحَمَّدٌ نَبِيُّكُمْ وَ عَلِيٌّ أَمِيرُكُمْ».

از حذیفة روایت شده که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:

اگر مردم می دانستند از چه وقت علی، امیر مؤمنان نامگذار شده است، فضل و برتری اش را انکار نمی کردند. پس افزود: «او امیر المؤمنین نامیده شد در حالی که آدم در هنگامه دمیدن روح در جسدش بود.»

خداوند فرمود: «و چون پروردگارت از پشت فرزندان آدم، پیمان گرفت و آنان را بر خودشان گواه کرد که: آیا من پروردگار شما نیستم؟» (اعراف / 172) فرشتگان گفتند: بلی.

پس خداوند متعال فرمود: «من پروردگار شما و محمد پیامبرتان و علی امیر شماست.» [51]

برتری ایمان علی علیه السلام بر هر ایمانی

عن عمر بن الخطاب: قال رسول الله ﷺ :
لَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَضَعْنَا فِي كَفَّةٍ وَ إِيْمَانُ عَلِيٍّ فِي كَفَّةٍ لَرُجِحَ إِيْمَانُ
عَلِيٍّ.

از عمر بن خطاب روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود:
اگر آسمان‌ها و زمین را در یک کفه ترازو بگذارند و ایمان علی را در کفه
دیگر، بی شک ایمان علی از آن سنگین تر خواهد بود.^[52]
[توضیح: ایمان امیر المؤمنین عليه السلام در حدی است که خود فرموده: لو كشف
الغطاء ما ازددت يقيناً.]

عبادت بدون ولایت امیر مؤمنان علیه السلام اثری ندارد

عن علی بن ابی طالب علیه السلام: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ مِثْلَ مَا قَامَ نُوحٌ فِي قَوْمِهِ، وَكَانَ لَهُ مِثْلُ أَحَدٍ ذَهَبًا فَأَنْفَقَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَمُدًّا فِي عُمْرِهِ حَتَّى يَحُجَّ أَلْفَ عَامٍ عَلَى قَدَمَيْهِ، ثُمَّ قُتِلَ بَيْنَ الصَّفا وَالْمَرْوَةِ مَظْلُومًا، ثُمَّ لَمْ يُوَالِكْ يَا عَلِيُّ، لَمْ يَشُمَّ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ وَلَمْ يَدْخُلْهَا.

از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هرگاه بنده‌ای خدا را به مدت عمر نوح که در میان قومش قیام کرد [نهصد و پنجاه سال به عبادت خدا بپردازد، و به مقدار کوه احد طلا داشته باشد و در راه خدا انفاق کند، و بر فرض به قدری عمر کند تا بتواند با پای پیاده هزار سال حج به جا آورد، و بعد (در بهترین مکان) بین صفا و مروه به ناحق کشته شود، اما ولایت تو را قبول نداشته باشد بوی بهشت به مشام او نمی‌رسد و داخل آن نمی‌شود.^[53]

پیام‌رسان برائت

عن أبي سعيد الخدري: قال رسول الله ﷺ (في قصة إعلان البراءة):
يا عليُّ! إِنَّهُ لَا يُؤَدِّي عَنِّي إِلَّا أَنَا أَوْ أَنْتَ.

از ابوسعید خدری روایت است که پیامبر اکرم (در ارتباط با اعلام برائت از مشرکان) فرمود:

ای علی! (آنچه وظیفه بر عهده من است) را ادا نمی‌کند جز خودم یا تو.^[54]
[توضیح: پیامبر در سال نهم هجرت برای منع مشرکان از ورود به مسجدالحرام و رفع هر نوع پیمان از آنها، ابوبکر را با شانزده آیه از آغاز سوره برائت به مکه اعزام کرد تا در موسم حج آیات را بر حاضران بخواند. ابوبکر در نیمه راه بود که جبرئیل بر پیامبر نازل شد و فرمود: «امر الهی آن است که این آیات را یا خودت یا مردی از اهل بیت تو بر مردم ابلاغ کند.»]

سفارش پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به ولایت پذیری

عن عمار بن یاسر: قال رسول الله ﷺ :

أَوْصَى مَنْ آمَنَ بِي وَصَدَّقَنِي بِوِلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَمَنْ تَوَلَّاهُ فَقَدْ تَوَلَّانِي وَ مَنْ تَوَلَّانِي فَقَدْ تَوَلَّى اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ، وَ مَنْ أَحَبَّهُ فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَ مَنْ أَحَبَّنِي فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ - تَعَالَى - وَ مَنْ أَبْغَضَهُ فَقَدْ أَبْغَضَنِي وَ مَنْ أَبْغَضَنِي فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ.

از عمار بن یاسر نقل است که رسول خدا ﷺ فرمود:

به آن کس که به من ایمان آورده و مرا تصدیق نموده سفارش می‌کنم به ولایت علی بن ابی طالب. هر کس ولایت او را بپذیرد در حقیقت ولایت مرا پذیرفته و معتقد به ولایت من ولایت الهی را پذیرفته، و هر کس او را دوست بدارد در حقیقت مرا دوست داشته و کسی که مرا دوست داشته باشد در حقیقت خدا را دوست داشته، و هر کس او را دشمن بدارد حقیقتاً مرا دشمن داشته و هر کس با من دشمنی ورزد در واقع با خداوند، دشمنی ورزیده است.^[55]

علی علیه السلام کفو (همتایی) فاطمه سلام الله علیها

عن امّ سلمة: قال رسول الله ﷺ :

لَوْ لَمْ يُخْلَقْ عَلِيٌّ مَا كَانَ لِفَاطِمَةَ كُفُوٌ.

از ام سلمه روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود:

اگر خداوند علی را برای فاطمه نیافریده بود کفو (همتایی) برای فاطمه سلام

الله علیها نبود.^[56]

[توضیح: به طور مسلم مقصود از کفویت و همتایی مهین دخت رسول اکرم

ﷺ که سیده نساء عالمین است با امیر المؤمنین عَلِيٌّ که سیدِ وصیین است، در

عصمت و دانش و بینش و نکات والای اخلاقی و مقام قرب و فنا و آگاهی از

اسرار قدسی و اسماء و صفات خداوند است نه همتایی از جهت خویشاوندی و

امثال آن.]

اگر در دل همه، مهر علی علیه السلام بود

عن ابن عباس: قال رسول الله ﷺ:

لَوْ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَى حُبِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لَمَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ النَّارَ.

از ابن عباس روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود:

اگر مردم بر محبت علی بن ابی طالب اتفاق داشتند خدای بزرگ، آتش دوزخ

را نمی آفرید. [57]

[توضیح: علی بن عیسی اربلی در شرح این روایت می نویسد: راز مطلب این

است که محبت علی عليه السلام فرع محبت پیامبر است و محبت پیامبر

عليه السلام فرع محبت خدا و توحید او و عمل به تکالیف و اطاعت از اوامر و نواهی

الهی و التزام به کتاب و سنت نبوی است. بدیهی است اگر مردم همگی بر این

فطرت مبارک پایبند بودند خداوند دوزخ را نمی آفرید. کشف الغمه، 1، ص

100.

عالم دیگری درذیل حدیث فوق می گوید: از این حدیث شریف فهمیده

می شود که عذاب و آتش فقط برای مخالفان (یعنی دشمنان امیر و فرزندانش

عليه السلام، آفریده شده است.]

علی علیه السلام جدا کننده بین حق و باطل

عن ابي ذر و سلمان: أخذ النبي ﷺ بيد علي فقال:

إِنَّ هَذَا أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِي، وَ هَذَا أَوَّلُ مَنْ يُصَافِحُنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ هَذَا الصِّدِّيقُ
الْأَكْبَرُ، وَ هَذَا فَارُوقُ هَذِهِ الْأُمَّةِ يَفْرُقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ، وَ هَذَا يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ،
وَ الْمَالُ يَعْسُوبُ الظَّالِمِينَ.

از ابوذر و سلمان روایت شده که رسول خدا ﷺ دست علی را گرفت

و فرمود:

به درستی که این مرد اولین کس از امت است که به من ایمان آورد. و
نخستین کس است که در روز رستاخیز با من مصافحه کند و اوست صدیق اکبر
(بزرگترین راستگو) و فاروق امت که حق و باطل را از هم جدا و متمایز
می‌سازد. و این است خسرو مؤمنان و مال، خسرو ستمکاران می‌باشد.^[58]

ارزش مبارزه علی علیه السلام

عن معاوية بن حيدة: قال رسول الله ﷺ :
لَمُبَارَزَةُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لِعَمْرٍو بْنِ عَبْدِودِ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ أَعْمَالِ أُمَّتِي
إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

از معاویة بن حیده روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود:
بی شک مبارزه علی بن ابی طالب با عمرو بن عبدود در روز (احزاب) و
جنگ خندق از اعمال امتم تا روز رستاخیز برتر است.^[59]

دشمن علی علیه السلام غیر مسلمان است

عن معاوية بن حيدة: قال رسول الله ﷺ :
مَنْ مَاتَ وَفِي قَلْبِهِ بُغْضٌ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَلَيْمَتْ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا.
از معاویه بن حیده روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود:
هر که بدرود حیات گوید و در دلش دشمنی علی بن ابی طالب باشد پس
بایست یهودی یا نصرانی از دنیا رخت بریندد.^[60]

سزای توهین به علی علیه السلام

عن ابن عباس: قال رسول الله ﷺ :
مَنْ سَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَّنِي، وَمَنْ سَبَّنِي فَقَدْ سَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ سَبَّ اللَّهَ أَدْخَلَهُ اللَّهُ نَارَ
جَهَنَّمَ وَلَهُ عَذَابٌ مُّقِيمٌ.
از ابن عباس روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود:
کسی که به علی دشنام دهد، به من دشنام داده است و کسی که به من دشنام
دهد، در حقیقت به خدا دشنام داده است و هر کس به خدا ناسزا گوید خداوند
او را در آتش دوزخ می افکند و همواره دچار عذاب خواهد بود.^[61]

نام علی علیه السلام بر سر در بهشت

عن جابر بن عبدالله: قال رسول الله ﷺ :

مَكْتُوبٌ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ [إِلَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ
أَخُو رَسُولِ اللَّهِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ] اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِأَلْفِي عَامٍ.

از جابر بن عبدالله روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود:

بر سر در بهشت نوشته شد: [خدایی جز الله نیست محمد فرستاده خداست، و
علی برادر فرستاده خداست و پیش از دوهزار سال از آنکه خداوند آسمان و
زمین را بیافریند.]^[62]

علی علیه السلام همانند سوره اخلاص است

عن حذيفة: قال رسول الله ﷺ :

مَثَلُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِي النَّاسِ مَثَلُ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» فِي الْقُرْآنِ.

از حذیفه نقل شده که رسول اکرم ﷺ فرمود:

مَثَلُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِي بَيْنِ مَرْدَمٍ مَثَلُ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» فِي الْقُرْآنِ.^[63]

نظر به ماه رخسار علی علیه السلام عبادت است

عن عائشة و أبوبکر و عمر و عثمان و ابن مسعود و ثوبان و أبی ذر و جابر و أنس و عمران بن الحصین: قال رسول الله ﷺ :
النَّظْرُ إِلَى وَجْهِ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ.
از عایشه و أبوبکر و عمر و عثمان و ابن مسعود و ثوبان و أبی ذر و جابر و أنس و عمران بن حصین روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود:
نگاه کردن به سیمای علی عبادت است.^[64]

افضل امامان عليهم السلام

عن أنس بن مالك: قال رسول الله ﷺ :
هَبَطَ عَلِيٌّ الْمَلِكَانَ لَمْ يَهْبِطَا مُنْذُ كَانَتْ الْأَرْضُ، فَبَشَّرَانِي أَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ
سَيِّدَا أَهْلِ الْجَنَّةِ. فَقُلْتُ: أَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا.
انس بن مالک نقل کرده که رسول خدا ﷺ فرمود:
دو ملک بر من نازل شدند که از آغاز آفرینش زمین تا آن زمان، فرود نیامده
بودند. آن دو به من بشارت دادند که حسن و حسین سرور و آقای بهشتیان‌اند.
من افزودم: «پدرشان از آن، بهتر است.»^[65]

حدیث جواز

عن علی علیه السلام: قال رسول الله ﷺ :
اذا جمع الله الأولين والآخرين يوم القيامة ونصب الصراط على جسر جهنم ما
جازها أحد حتى كان معه براءة بولاية علي بن أبي طالب.
از علی عليه السلام نقل است که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:
چون خداوند، اولین و آخرین را در روز رستاخیز جمع آورد و صراط را بر
روی پل دوزخ؛ نصب کند، احدی از آن عبور نکند مگر کسی که سند رهایی از
آتش به واسطه ولایت علی بن ابی طالب را در دست داشته باشد. [66]

اسلام و ایمان علی علیه السلام

عن عمر بن الخطاب: قال رسول الله ﷺ :
يا عليُّ، أنت أول المسلمين اسلاماً، وأنت أول المؤمنين.
از عمر بن خطاب روایت است که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود:
ای علی! تو اولین فردی که اسلام را پذیرفتی و تو نخستین فرد از مؤمنان
می باشی. [67]

مواسات امام علی علیه السلام

لَمَّا قَتَلَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ أَحُدٍ أَصْحَابَ الْلُؤَيَةِ، قَالَ جِبْرِئِيلُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ،
إِنَّ هَذِهِ لَهِيَ الْمُوَسَاةُ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ. قَالَ
جِبْرِئِيلُ: وَأَنَا مِنْكُمَا يَا رَسُولَ اللَّهِ.

هنگامی که علی در جنگ احد پرچمداران سپاه کفر را به قتل رساند، جبرئیل

علیه السلام به رسول خدا ﷺ چنین گفت:

حقاً این است معنای مواسات. رسول خدا ﷺ فرمود: «آخر او از من است

و من از اویم.» جبرئیل علیه السلام گفت: «من هم از شمایم ای رسول خدا.»^[68]

امارت امیر مؤمنان علیه السلام

عن بریده: قال:

أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ نُسَلِّمَ عَلَيَّ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِ «إِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ».

از بریده نقل است که گفت:

پیامبر اکرم ﷺ به ما امر کرد به علی به عنوان فرمانده اهل ایمان و امیر

مؤمنان سلام کنیم.^[69]

دوستدار علی علیه السلام دوستدار رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم است

عن سلمان الفارسی: قال رسول الله ﷺ: :

يَا عَلِيُّ، مُحِبُّكَ مُحِبِّي، وَ مُبْغِضُكَ مُبْغِضِي.

سلمان فارسی نقل کرده که رسول خدا ﷺ فرمود:

ای علی! محبّ تو دوستدار من است و دشمن تو دشمن من خواهد بود.^[70]

دور ساختن منافقان از حوض کوثر

عن أبي سعيد: قال رسول الله ﷺ :
يا عليُّ، معك يوم القيامة عصاً من عصى الجنة تذكودُ بها المنافقين عن
حوضي.

ابو سعید گوید: رسول خدا ﷺ فرمود:
ای علی! در رستاخیز عصایی از عصاهای بهشتی در اختیار داری که به وسیله
آن منافقان را از حوض خواهی راند.^[71]

راه رفتن در زمین بر دشمن علی علیه السلام حرام است

عن ابن عباس: قال رسول الله ﷺ :
يا عليُّ، إنَّ الله عزَّ وجلَّ زَوَّجَكَ فَاطِمَةَ وَجَعَلَ صِدْقَهَا الْأَرْضَ، فَمَنْ مَشَى
عَلَيْهَا مُبْعِضاً لَكَ يَمْشِي حَرَاماً.

از ابن عباس روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود:
یا علی! به درستی که خداوند با عز و جلال فاطمه را به ازدواج تو درآورد و
زمین را مهریه او قرار داد؛ پس هر کسی که روی زمین راه برود در حالی که
دشمن تو باشد و بغض تو را داشته باشد این راه رفتن او حرام است.^[72]

هدیه فرشتگان به شیعیان علی علیه السلام

عن أبی بکر: قال رسول الله ﷺ :

أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ مِنْ نُورِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ مَلَائِكَةً يُسَبِّحُونَ وَيُقَدِّسُونَ وَيَكْتُبُونَ
ثَوَابَ ذَلِكَ لِمُحِبِّهِ وَمُحِبِّي وَوَلَدِهِ.

از ابوبکر نقل شده که رسول خدا ﷺ فرمود:

همانا خدا از نور علی بن ابی طالب فرشتگانی آفرید که خداوند را تسبیح
گویند و تقدیس نمایند و ثواب آن را برای دوستان علی و دوستان فرزندانش
ثبت و ضبط کنند.^[73]

آزردن علی علیه السلام اذیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است

عن عمر بن الخطاب: قَالَ: كُنْتُ أَجْفُو عَلِيًّا، فَلَقِنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ:

إِنَّكَ آذَيْتَنِي يَا عُمَرُ!

فَقُلْتُ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّنْ أذَى رَسُولَهُ!

قَالَ: إِنَّكَ قَدْ آذَيْتَ عَلِيًّا، وَمَنْ أذَى عَلِيًّا فَقَدْ آذَانِي.

از عمر بن خطاب نقل است که گفت: همواره به علی جفا و اذیت روا

می داشتم. روزی پیامبر ﷺ مرا دید و فرمود:

ای عمر! مرا آزار دادی.

گفتم: به خدا پناهنده می شوم از کسی که رسولش را بیازارد.

فرمود: تو علی را اذیت کردی و هر کس علی را آزرده و اذیت کند، در

حقیقت مرا اذیت نموده است.^[74]

همه درها جز در خانه علی علیه السلام را ببندید

عَنْ سَعْدِ بْنِ مَالِكٍ أَمْرَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِسَدِّ الْأَبْوَابِ الشَّارِعَةِ فِي الْمَسْجِدِ وَ تَرَكَ بَابَ عَلِيٍّ (قال الهيثمي: رواه أحمد و أبو يعلى و البزار و الطبرانی في الأوسط، و زاد قالوا: يا رسول الله، سددت أبوابنا كلها إلا باب علي؟ قال: ما أنا سددت أبوابكم و لكن الله سدّها).

سعد بن مالک گفت: رسول اکرم ﷺ فرمان داد تمام درهای خانه‌هایی را که به داخل مسجد، باز می‌شد ببندیم و در خانه علی را و نهاد.
هیثمی می‌نویسد: این حقیقت را احمد، و ابویعلی، بزار و طبرانی در الأوسط روایت کرده‌اند و افزوده که ایشان گفتند: ای رسول خدا! درهای ما را بستی و در خانه علی عليه السلام را و نهادی. حضرت فرمود:
درهای شما را من نبستم، خداوند آنها را بست.^[75]

پرچمدار رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در هر دو سرا

عن جابر، قال: قالوا: يا رسول الله! مَنْ يَحْمِلُ رَأْسَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟ قَالَ:

مَنْ يَحْسُنُ أَنْ يَحْمِلَهَا إِلَّا مَنْ حَمَلَهَا فِي الدُّنْيَا؟: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.

از جابر روایت است که گفت: اصحاب از رسول خدا ﷺ پرسیدند: آن کس

که پرچم شما را در روز قیامت حمل خواهد کرد کیست؟

حضرت فرمود: چه فردی جز همان که آن را در دنیا در دست داشت،

شایستگی حمل آن را خواهد داشت؟ (علی بن ابی طالب)^[76]

قاتل علی علیه السلام، تیره بخت‌ترین امت

عن جابر بن عبدالله، قال: رَسُوْلُ اللهِ ﷺ لَعَلِيَّ عَلِيًّا: مَنْ أَشَقَى الثَّمُودِ؟ قَالَ: مَنْ عَقَرَ النَّاقَةَ. قَالَ: فَمَنْ أَشَقَى هَذِهِ الْأُمَّةَ؟ قَالَ: اللهُ أَعْلَمُ. قَالَ: قَاتِلُكَ.

از جابر بن عبدالله نقل است که رسول خدا ﷺ به علی عليه السلام فرمود: می‌دانی تیره بخت‌ترین کسی که در قوم ثمود بود کیست؟ گفت: آنکه پای ناقه صالح عليه السلام را قطع کرد. حضرت پرسید تیره بخت‌ترین امت من کیست؟ گفت: الله اعلم (خدا داناتر است) فرمود: کسی که تو را به قتل می‌رساند.^[77]

[توضیح: قوم ثمود افرادی سرکش و مغرور بودند؛ پیامبر آنها حضرت صالح عليه السلام هر چه آنها را نصیحت کرد، اثر نبخشید. از آن حضرت معجزه خواستند او به اذن خدا در دل کوه ناقه‌ای (شتر ماده‌ای) بیرون آورد؛ آنها به جای اینکه معجزه الهی را بپذیرند، آن ناقه را پی کردند و کشتند، آنها برای پی کردن و کشتن ناقه، فردی شقاوتمند و بی‌رحم به نام «قدار بن سالف» را بدین کار گماشتند و او با یک ضربت شمشیر، شتر را پی کرد، و به عنوان «شقی‌ترین فرد گذشتگان» لقب گرفت و سه روز پس از این ماجرا، بر اثر عذاب الهی، به هلاکت رسیدند.]

شرح در تفسیر نمونه، ج 27، ص 61 و 62، الگوی آسمانی، ص 35؛ معارف و معاریف، ج 3، ص 1383.

زینت علی علیه السلام

عن عمّار بن یاسر: قال رسول الله ﷺ :

يا عَلِيُّ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ زَيَّنَكَ بِزِينَةِ لَمْ تُزَيَّنُ الْعِبَادُ بِزِينَةِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْهَا، هِيَ زِينَةُ الْأَبْرَارِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا، فَجَعَلَكَ لَا تَزُرُّ مِنَ الدُّنْيَا شَيْئاً وَلَا تَزُرُّ الدُّنْيَا مِنْكَ شَيْئاً وَوَهَبَ لَكَ حُبَّ الْمَسَاكِينِ، فَجَعَلَكَ تَرْضَى بِهِمْ أَتْبَاعاً، وَيَرْضُونَ بِكَ إِمَاماً.

از عمّار بن یاسر روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود:

ای علی! خدای متعال تو را به زینتی آراسته است که هیچ بنده‌ای به زیوری چنین مزین نگشته و خدا آن را بیش از هر زینت دیگری دوست دارد و آن زهد در دنیا است که زینت نیکوکاران در نزد خدای با عزت و جلال است. پس تو را طوری قرار داده که نه از دنیا دست تو را می‌گیرد و نه دنیا چیزی از تو به دست می‌آورد. خدا در وجود تو علاقه به مساکین را عطا کرد، پس تو را طوری قرار داده که راضی شدی که رهبر آنها باشی و آنان نیز به پیشوایی چون تو خوشنودند.^[78]

صاحب حوض کوثر

عن أبي هريرة و جابر بن عبدالله، قالوا: قال رسول الله ﷺ
عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَاحِبُ حَوْضِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

از ابو هریره و جابر بن عبدالله نقل شده است که گفتند: رسول خدا ﷺ
فرمود:

در روز قیامت صاحب حوض من علی بن ابی طالب خواهد بود.^[79]

نخستین مسلمان

عن أنس، عن رسول الله ﷺ :

صَلَّتِ الْمَلَائِكَةُ عَلَيَّ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ سَبْعَ سِنِينَ، وَذَلِكَ أَنَّهُ لَمْ تَرْتَفَعْ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَى السَّمَاءِ إِلَّا مِنِّي وَإِنْ عَلِيٌّ.

انس نقل کرده که رسول خدا ﷺ فرمود:

فرشتگان الهی مدت هفت سال بر من و علی بن ابیطالب درود می‌فرستادند. و این در زمانی بود که هنوز شعار توحید و کلمه لا اله الا الله جز از من و علی به آسمان بر نمی‌خاست.^[80]

علی علیه‌السلام برادر پیامبر صلی الله علیه و آله

عن عبدالله بن عمر. قال رسول الله ﷺ :

عَلِيٌّ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

از عبدالله بن عمر روایت است که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود:

علی برادر من است در این جهان و سرای دیگر.^[81]

برادر و وزیر پیامبر صلی الله علیه و آله

قال رسول الله ﷺ :

أخى و وزيرى، و خير من أترك بعدى، يقضى دينى، و يُنجز و عدى على بن
أبى طالب.

رسول خدا ﷺ فرمود:

برادر و وزیر، و بهترین شخصی که بعد از خود می‌گذارم و دین مرا تأدیه
کرده و وعده‌هایم را عملی می‌سازد، علی بن ابی طالب است.^[82]

راه علی علیه السلام حق است

عن عمّار بن یاسر، سمعنا رسول الله ﷺ يقول:

علی مع الحق و الحق مع علی، لا یفترقان حتی یردا علی الحوض یوم القيامة.

عمّار بن یاسر گفت: شنیدم رسول خدا ﷺ فرمود:

علی با حق است و حق با علی است؛ این دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در

رستاخیز در کنار حوض کوثر بر من درآیند.^[83]

کینه‌های پنهان

عن علی ع:

بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آخِذٌ بِيَدِي، وَنَحْنُ نَمْشِي فِي بَعْضِ سَككِ الْمَدِينَةِ، إِذْ أَتَيْنَا عَلَى حَدِيقَةٍ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَحْسَنَهَا مِنْ حَدِيقَةٍ! قَالَ: لَكَ فِي الْجَنَّةِ أَحْسَنُ مِنْهَا. ثُمَّ مَرَرْنَا بِآخَرَى فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَحْسَنَهَا مِنْ حَدِيقَةٍ! قَالَ: لَكَ فِي الْجَنَّةِ أَحْسَنُ مِنْهَا. حَتَّى مَرَرْنَا بِسَبْعِ حَدَائِقَ، كُلُّ ذَلِكَ أَقُولُ: مَا أَحْسَنَهَا! وَ يَقُولُ: لَكَ فِي الْجَنَّةِ أَحْسَنُ مِنْهَا.

فَلَمَّا خَلَا لَهُ الطَّرِيقُ اعْتَنَقَنِي، ثُمَّ أَجْهَشَ بَاكِياً. [قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا يُبْكِيكَ؟ قَالَ: ضَعَائِنُ فِي صُدُورِ أَقْوَامٍ لَا يُبْدُونَهَا لَكَ إِلَّا مِنْ بَعْدِي .

قال: قلت: يا رسول الله، في سلامة من ديني؟

قال: في سلامة من دينك.

علی ع می گوید:

روزی به اتفاق رسول خدا در حالی که دست مرا در

دست خود داشت در بعضی از کوچه‌های مدینه می‌رفتیم. از کنار باغی گذشتیم. عرضه داشتم یا رسول الله! این باغ چه زیبا است! فرمود: باغی که در بهشت برای تو مهیا شده از این زیباتر است. سپس قدم زنان به باغ دیگری رسیدیم، گفتم: ای پیامبر خدا، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این باغ نیز زیبا است! فرمود: باغ تو در بهشت زیباتر از آن است.

تا اینکه از هفت باغ گذشتیم در همه آنها من همان سخن پیشین را و آن حضرت همان پاسخ را تکرار کردیم. هنگامی که به پایان راه رسیدیم پیامبر ﷺ مرا در آغوش گرفت و سخت بگریست.

عرضه داشتم: ای پیامبر خدا ﷺ، چرا می‌گری؟
فرمود: از کینه‌هایی که در سینه گروهی علیه تو نهفته شده و آشکار نمی‌کنند مگر پس از آنکه مرا از دست بدهند.

پرسیدم: آیا من بر سلامت دینم خواهم بود؟

فرمود: بله در سلامت دینت می‌مانی. [84]

پدرم فدای شهید تنها!

عن عائشة: رَأَيْتُ النَّبِيَّ ﷺ التَّمَّ عَلِيًّا وَ قَبْلَهُ وَ يَقُولُ:

بِأَبِي الْوَحِيدِ الشَّهِيدِ، بِأَبِي الْوَحِيدِ الشَّهِيدِ.

از عایشه نقل شده است که گفت: رسول خدا ﷺ را دیدم که علی را به

خود چسبانده و می‌بوسید و می‌فرمود:

پدرم فدای آن شهید تنها باد، پدرم فدای شهید تنها. [85]

هم‌درجه پیامبر صلی الله علیه و آله

عن علی عَلِيٍّ: ان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أخذ بيد حسن و حسين فقال:
مَنْ أَحَبَّنِي وَ أَحَبَّ هَذَيْنِ وَ أَبَاهُمَا وَ أُمَّهُمَا كَانَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ.
از علی عَلِيٍّ روایت است که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دست حسن و حسین را
گرفت و فرمود:

هر کس مرا و این دو نفر و پدر و مادرشان را دوست داشته باشد، در روز
قیامت با من در یک رتبه خواهد بود.^[86]

[توضیح: این بدان جهت است که هر کس مردمی را دوست داشته باشد با
آنها محشور می‌شود.]

پرسش در قیامت

عن أبي برزة: قال رسول الله ﷺ :
لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعَةٍ:
عَنْ جَسَدِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ، وَعُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ، وَمَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيمَا أَنْفَقَهُ، وَعَنْ حُبِّ أَهْلِ الْبَيْتِ.

فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَا عَلَامَةُ حُبِّكُمْ؟
فَضْرَبَ ﷺ بِيَدِهِ عَلَى مَنْكَبِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.
ابن برزه روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرمود:

هیچ بنده‌ای [روز قیامت گام از گام بر نمی‌دارد تا از چهار چیز بازخواست شود: از جسدش که در چه راهی آن را فرسوده، از عمرش که آن را در چه راهی صرف نموده، از مالش که از کجا آورده و در چه راهی خرج کرده، و از دوستی با ما اهل بیت [که در دل پرورده یا نه؟]

سؤال شد: ای رسول خدا! نشانه دوستی با شما [پس از شما] چیست؟
پیامبر خدا ﷺ دست خود را بر شانه علیؑ [که کنارش ایستاده بود] زد. [87] دوست علیؑ مؤمن و دشمنش منافق است

عن أبي ذر: سمعت رسول الله ﷺ يقول لعلیؑ :
إِنَّ اللَّهَ أَخَذَ مِيثَاقَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى حُبِّكَ، وَأَخَذَ مِيثَاقَ الْمُنَافِقِينَ عَلَى بُغْضِكَ. وَلَوْ ضَرَبْتَ خَيْشُومَ الْمُؤْمِنِ مَا أَبْغَضَكَ، وَلَوْ نَثَرْتَ الدَّنَائِرَ عَلَى الْمُنَافِقِ مَا أَحَبَّكَ.
يَا عَلِيُّ، لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ، وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ.

از ابوذر روایت است که گفت: شنیدم رسول خدا ﷺ به علی عَلِيٍّ فرمود:
خداوند به دوستی تو از مؤمنان پیمان گرفته و نیز بر دشمنی تو از منافقان
پیمان گرفته و اگر تو (با شمشیرت) بر بینی مؤمنی ضربه وارد کنی تو را دشمن
نخواهد داشت و دل آزرده نخواهد شد. و چنانچه دینارها را به پای منافق
بریزی تو را دوست نخواهد داشت.
ای علی! تو را دوست نمی‌دارد مگر مؤمن (به خدا و رسول) و با تو دشمنی
نمی‌کند مگر دورو و منافق.^[88]

به دوستی علی علیه السلام فرزندانان را بشناسید

قال رسول الله ﷺ - في صفة علي عليه السلام :-

يا أَيُّهَا النَّاسُ، ائْتَحِنُوا أَوْلَادَكُمْ بِحُبِّهِ، فَإِنَّ عَلِيًّا لَا يَدْعُو إِلَى ضَلَالَةٍ وَلَا يَبْعُدُ
عَنْ هَدًى، فَمَنْ أَحَبَّهُ فَهُوَ مِنْكُمْ، وَمَنْ أَبْغَضَهُ فَهُوَ لَيْسَ مِنْكُمْ.

رسول خدا ﷺ در صفت علی عليه السلام فرمود:

ای مردم! فرزندانان را به دوستی علی عليه السلام آزمایش کنید، زیرا علی به
گمراهی نمی خواند، و کسی را از هدایت دور نمی نماید، هر فرزندی او را دوست
داشت از شماس (حلال زاده است) و هر فرزندی او را دشمن داشت، از آن
شما نیست (نامشروع است).^[89]

راهنمایی پیامبر صلی الله علیه وآله

قال الإمام الحسن عليه السلام:

أَرْسَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى الْأَنْصَارِ فَأَتَوْهُ، فَقَالَ لَهُمْ: يَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ، أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ؟
قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: هَذَا عَلَيٌّ، فَأَحِبُّوهُ بِحُبِّي وَكَرِّمُوهُ لِكِرَامَتِي، فَإِنَّ جِبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَرَنِي بِالَّذِي قُلْتُ لَكُمْ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.

امام حسن عليه السلام فرمود:

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیکی به سوی انصار فرستاد و آنان را فرا خواند، انصار اجابت کردند. حضرت به آنان فرمود:

ای گروه انصار! آیا می خواهید شما را به چیزی راهنمایی کنم که اگر به آنان جنگ زنید، هرگز گمراه نشوید؟
گفتند: یا رسول الله بفرماید.

فرمود: این شخص علی (بن ابی طالب) است، او را به سبب محبت و دوستی با من، دوست بدارید و او

را به گرامیداشت من، گرامی بدارید؛ زیرا این گفته را خدای عزوجل به من فرمان داد تا به شما بگویم.^[90]

بیت رفیع علی و فاطمه علیهما السلام

عن أنس بن مالک و بردة:

قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هَذِهِ الْآيَةَ: (فِي بُيُوتِ أذنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ)، فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ: أَيُّ بُيُوتِ هَذِهِ يَا رَسُولَ اللهِ؟
قال: بُيُوتُ الْأَنْبِيَاءِ.
فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُو بَكْرٍ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ، هَذَا الْبَيْتُ مِنْهَا؟ - لَبَّيْتُ عَلَى وَ فاطمة -
قال: نَعَمْ مِنْ (أفاضلها).

از انس بن مالک و بریده نقل شده است که گفتند:

پیامبر اکرم ﷺ این آیه شریفه (فی بیوت اذن الله ان ترفع [توبه / 36]) را در جمع یاران تلاوت فرمود، یکی از آن میان برخاست و گفت: کدامین خانه‌ها مورد نظر است یا رسول الله؟ حضرت پاسخ داد: خانه‌های انبیاء الهی.
ابوبکر برخاست و اشاره به خانه علی و فاطمه کرد و گفت: ای رسول خدا!
آیا این خانه هم شامل این بیوت می‌باشد؟
حضرت جواب فرمود: بلی این خانه جزء شرافتمندترین و با فضیلت‌ترین آن خانه‌ها می‌باشد.^[91]

توصیه درباره علی علیه السلام

قال رسول الله ﷺ :

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَيَمُوتَ مَمَاتِي وَيَسْكُنَ جَنَّةَ عَدْنٍ غَرَسَهَا رَبِّي
فَلْيُؤَالَ عَلِيًّا مِنْ بَعْدِي وَلْيُؤَالَ وَلِيِّهِ، وَلْيَقْتَدِ بِأَلِئِمَّةٍ مِنْ بَعْدِي، فَإِنَّهُمْ عِثْرَتِي، خُلِقُوا
مِنْ طِينَتِي، رَزَقُوا فَهْمًا وَعِلْمًا، وَوَيْلٌ لِلْمُكَذِّبِينَ بِفَضْلِهِمْ مِنْ أُمَّتِي، الْقَاطِعِينَ فِيهِمْ
صِلَتِي، لَا أَنَا لَهُمْ اللَّهُ شَفَاعَتِي.

رسول خدا ﷺ فرمود:

هر که بدین دلشاد است که چون من زیست کند، و چون من بمیرد، و در بهشت عدن که پروردگار درختان آن را غرس کرده است جای گیرد، بایستی بعد از من از علی هواداری کند و هوادار هواداران او باشد، و از امامان پس از من پیروی کند؛ زیرا آنان عترت من هستند، از سرشت من آفریده شده‌اند و فهم و علم روزی آنان ساخته‌اند. پس بدا بر تکذیب کنندگان از امت من که پیوند مرا درباره آنان بگسلد، خداوند شفاعت مرا شامل حالشان نگرداند.^[92]

خداوند، دل علی علیه السلام را به ایمان آزموده است

عن أمير المؤمنين عليه السلام:

جاء سهيل بن عمرو إلى رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: يا محمد، إنه قد خرج إليك
اناس من أرقائنا ليس بهم للدين تعبداً فارددهم علينا. فقال أبو بكر وعمر: صدق
يا رسول الله. فقال النبي صلى الله عليه وآله: لن تنتهوا يا معشر قريش حتى يبعث الله عليكم
رجلاً مني امتحن الله قلبه للإيمان يضرب رقابكم على الدين وأنتم متجفلون عنه
اجفال النعم. فقال أبو بكر: أنا هو يا رسول الله؟
قال: لا.

قال عمر: أنا هو يا رسول الله؟

قال: لا، ولكنه خاصف النعل.

قال: وكان في كف علي نعل يخصفها لرسول الله صلى الله عليه وآله.

از علی عليه السلام نقل شده که فرمود:

سهیل بن عمرو [همراه عده‌ای از قریشیان مکه نزد رسول خدا صلى الله عليه وآله آمد و
عرض کرد:

یا محمد! گروهی از فرزندان، برادران و بردگان ما نزد تو آمده‌اند. آنان نه به
دلیل علاقه به دین و نه برای فهم و اندیشه آمده‌اند (به عبارت دیگر) نسبت به
دین، هیچ التزام و تعبدی ندارند آنان را به سوی ما بازگردان.

ابوبکر و عمر بر سخنان او صحنه گذاشتند اما نبی اکرم صلى الله عليه وآله فرمود: ای
گروه قریش! شما هرگز به اصلاح نمی‌رسید تا آن که کسی را به سویتان گسیل
دارم که خداوند، دلش را به ایمان آزموده است تا شما را بر اساس آموزه‌های

دینی گردن زند و شما همچون شتر مرغ سرکش از او فرار می‌کنید و طغیان می‌ورزید.

ابوبکر گفت: آیا آن مرد که می‌گویید منم ای پیامبر خدا؟
فرمود: خیر.

عمر گفت: آن کس منم ای پیامبر خدا؟
فرمود: آن مرد همان اصلاح‌کننده کفش است.

سهیل بن عمر گوید: در دست علی کفش رسول خدا ﷺ بود که آن را
وصله می‌کرد.^[93]

علم علی علیه‌السلام

قال أبو سعید الخدری: سألت رسول الله ﷺ عن قول الله تعالى: «وَمَنْ عِنْدَهُ

عِلْمُ الْكِتَابِ؟ قال:

ذَكَ أَخِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.

از ابوسعید خدری روایت شده که گفت: من درباره آیه شریفه (وَمَنْ عِنْدَهُ

عِلْمُ الْكِتَابِ) (و کسی که علم کتاب نزد اوست) از پیامبر اکرم ﷺ سؤال

کردم، حضرت فرمود:

آن شخص برادرم علی بن ابی‌طالب است.^[94]

حکمت امام علی علیه السلام

عن حمید بن عبدالله بن یزید المدنی: ذکر عند النبی ﷺ قضاء قضی به علی بن ابی طالب، فأعجب النبی ﷺ، فقال: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِيْنَا الْحِكْمَةَ أَهْلَ الْبَيْتِ.

از حمید بن عبدالله بن یزید مدنی روایت شده: علی قضاوتی کرده بود و در نزد رسول خدا ﷺ سخن از آن قضاوت رفت، رسول اکرم ﷺ بسیار خوشحال شد و فرمود:

حمد و سپاس ویژه خداوندی است که حکمت را در ما خاندان قرار داد.^[95]
رسول خدا ﷺ در مبارزه است با دشمن علی علیه السلام

عن أبي هريرة: نظر النبي ﷺ إلى علي و حسن و حسين و فاطمة عليهم السلام، فقال:

أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، وَسِلْمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ.

از ابوهریره روایت است که گفت: رسول خدا ﷺ به علی و حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام - که بر آنان درود خدا باد - نگریست و فرمود:

من در جنگم با کسی که با شما در جنگ باشد و آشتی هستم با هر که با شما در صلح و سلامت باشد.^[96]

اولین از اولوا الامر

قال أمير المؤمنين عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله:
شُرَكَائِي الَّذِينَ قَرَنَهُمُ اللَّهُ بِنَفْسِهِ وَبِي وَأَنْزَلَ فِيهِمْ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ
وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ» الْآيَةَ، فَإِنْ خِفْتُمْ تَنَازُعًا فِي أَمْرٍ فَأَرْجِعُوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ وَ
أُولَى الْأَمْرِ، قُلْتُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، مَنْ هُمْ؟
قال: أَنْتَ أَوْ لَهُمْ.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: نبی مکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

شرکای من آنانند که پروردگار به خود و من، نزدیکشان ساخته و در
خصوص ایشان این آیت را فرو فرستاده (ای ایمان آورندگان! از خدا اطاعت
کنید و از رسول خدا نیز فرمانبرداری نمایید) تا آخر آیه. پس اگر از درگیری و
کشمکش بیمناک شدید آن را به خدا و رسول و اولوا الامر ارجاع دهید.

گفتم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله اولوا الامر کیانند؟

فرمود: تو اولین شان هستی [97].

وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله

عن ابن عباس: قال رسول الله ﷺ لعبد الرحمن بن عوف:
يا عَبْدَ الرَّحْمَنِ، أَنْتُمْ أَصْحَابِي وَ عَلِيٌّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ، فَهُوَ
بَابُ عِلْمِي وَ وَصِيِّ، وَ هُوَ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ هُمْ خَيْرُ الْأَرْضِ غُنُصْرًا
وَ شَرَفًا وَ كَرَمًا.

از ابن عباس، روایت شده که گفت: رسول خدا ﷺ به عبدالرحمن بن عوف
فرمود:

ای عبدالرحمن! شما ملازمان و همراهان من هستید و علی بن ابی طالب از
من است و و من از او هستم. او باب علم من و وصی من است. او و فاطمه و
حسن و حسین بهترین اهل زمین هستند در اصالت و شرافت و کرامت.^[98]

پیشی گیرندگان

عن ابن عباس عن النبي ﷺ قال:

السَّبِقُ ثَلَاثَةٌ: السَّابِقُ إِلَى مُوسَى، يُوشَعَ بْنِ نُونٍ وَ السَّابِقُ إِلَى عِيسَى، صَاحِبُ يَاسِينَ، وَ السَّابِقُ إِلَى مُحَمَّدٍ ﷺ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ.

ابن عباس از رسول اعظم ﷺ نقل کرده است که حضرت فرمود:

سبقت جویان خلق [در ایمان به پیامبران سه نفرند: کسی که به سوی موسی سبقت گرفت و او یوشع بن نون است. و پیشی گیرنده در امت عیسی صاحب یاسین است. و سبقت گیرنده در امت محمد ﷺ ، علی بن ابی طالب است.

[نکته 1: مراد از سابقون، کسانی هستند که در پذیرش دین حق از دیگران پیشی گرفتند.

نکته 2: مناوی گفته: راستی این چه فضیلت بزرگی برای علی علیه السلام است و چه بسیار صفات برجسته‌ای است که در او وجود داشت و دیگران از آن برخوردار نبودند. [99]

برترین انسان‌ها

قال رسول الله ﷺ :

خَيْرُ رِجَالِكُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَخَيْرُ شَبَابِكُمْ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، وَخَيْرُ نِسَائِكُمْ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ.

رسول خدا ﷺ فرمود: بهترین مردان شما علی بن ابی طالب، و بهترین جوانان حسن و حسین هستند، و بهترین بانوان شما دخت محمد ﷺ است. [100]

بهترین انسان

عن حذيفة: قال رسول الله ﷺ :

عَلِيُّ خَيْرُ الْبَشَرِ فَمَنْ أَبِي فَقَدْ كَفَرَ.

از حذیفه نقل است که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود:

علی، برترین انسان است؛ هر که نپذیرد، کافر است. [101]

نخستین مسلمان

عن سلمان الفارسی قال رسول الله ﷺ :
أَوْلُكُمْ وَارِدًا عَلَى الْحَوْضِ أَوْ لَكُمْ إِسْلَامًا عَلَيَّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ .
از سلمان فارسی نقل شده است که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود:
اولین فردی که در کنار حوض کوثر بر من وارد می‌شود نخستین کسی است
که اسلام آورد و او علی بن ابی طالب است. [102]

هم‌نشینان پیامبر صلی الله علیه و آله در بهشت

عن ابن مردويه: قال رسول الله ﷺ :
فِي الْجَنَّةِ دَرَجَةٌ تُدْعَى «الْوَسِيلَةَ» فَإِذَا سَأَلْتُمْ اللَّهَ فَاسْأَلُوا لِي الْوَسِيلَةَ، قَالُوا: يَا
رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ يَسْكُنُ مَعَكَ فِيهَا؟ قَالَ: عَلِيُّ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ .
از ابن مردويه نقل است که گفت: نبی مکرم ﷺ فرمود:
در بهشت درجه‌ای «وسيله» نام است. پس وقتی که از خداوند چیزی برای
من می‌خواهید، «وسيله» را درخواست کنید.
افراد حاضر پرسیدند: چه کسی در جوار شما در آن درجه سکونت خواهد
گزید؟ فرمود: علی و فاطمه و حسن و حسین. [103]

اطاعت علی علیه السلام، اطاعت پیامبر صلی الله علیه و آله

قال رسول الله ﷺ :

مَنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، وَمَنْ أَطَاعَ عَلِيًّا فَقَدْ أَطَاعَنِي، وَمَنْ عَصَى عَلِيًّا فَقَدْ عَصَانِي.

رسول خدا ﷺ فرمود:

هر کس از من پیروی نماید در حقیقت از خدا فرمانبری کرده است و هر کس نافرمانی من کند در واقع نافرمانی خدا کرده است و هر کس از علی اطاعت کند، در حقیقت از من پیروی کرده و هر کس از علی نافرمانی کند از من نافرمانی کرده است.^[104]

خصال سه گانه

عن سعد، سمعت رسول الله ﷺ يقول لعلی ؑ ثلاث خصال لأن يكون لی واحدة منها أحب إلى من الدنيا و ما فیها، سمعته یقول:

أنت منی بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي و سمعته یقول: لا عین الرایة غدا رجلا یحب الله والرسل و یحبه الله و رسوله لیس بفرار. و سمعته یقول: من كنت مولا فاعلی مولا.

از سعد نقل است که گفت:

سه جمله (خصلت) است که اگر یکی از آنها در من بود از دنیا و آنچه در آن است بیشترش ارج می نهادم.

شنیدم پیامبر ﷺ به علی می گوید:

منزلت تو به من همان منزلت هارون به موسی است با این تفاوت که دیگر بعد از من نبوت نیست.

و شنیدم در روز فتح خیبر درباره او فرمود:

فردا بیرق جنگ را به کسی خواهم سپرد که خدا و رسول را دوست دارد و خدا و رسول هم او را دوست دارند و هیچ گاه به دشمن پشت نمی کند و نمی گریزد.

و شنیدم فرمود:

هرکس که من مولای اویم علی مولای اوست. [105]

حدیث کساء

قال أمير المؤمنين عليه السلام:

جَمَعَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي بَيْتِ امِّ سَلَمَةَ، أَنَا وَفَاطِمَةُ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا، ثُمَّ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي كِسَاءٍ لَهُ، وَأَدْخَلْنَا مَعَهُ، ثُمَّ ضَمَّنَا، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي، فَأَذْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً.
فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَأَنَا؟ - وَدَنْتُ مِنْهُ - فَقَالَ: أَنْتِ مِمَّنْ أَنْتِ مِنْهُ، وَأَنْتِ عَلَى خَيْرٍ. أَعَادَ رَسُولُ اللَّهِ، ثَلَاثًا يَصْنَعُ ذَلِكَ.

امیر مؤمنان عليه السلام فرمود:

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ من و فاطمه و حسن و حسین را در بیت ام سلمه گرد آورد و زیر ردای خود رفت؛ ما را هم به زیر عبا برد و در آغوش خود جای داده آن گاه فرمود: خدایا! اهل بیت من اینها هستند؛ رجس و ناپاکی را از ایشان زائل فرما و طهارت و پاکی را نصیب آنان قرار ده.

ام سلمه گفت: یا نبی الله! پس من چه؟ - و او

نزدیک رسول اقدس صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ واقع شده بود.

پیامبر فرمود: تو از همانی که تو از آنی و تو در مسیر خیر هستی [اما از ما اهل بیت و این جماعت پنج تن نیستی]. رسول خدا این کار را سه بار تکرار

نمود. [106]

علی و فاطمه علیهما السلام از من هستند

عن ابن عباس فی حدیث زواج فاطمه و علی علیهما السلام: ثم التزمهما [رسول الله صلی الله علیه و آله] فقال:

اللَّهُمَّ إِنَّهُمَا مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُمَا، اللَّهُمَّ كَمَا أَذْهَبْتَ عَنِّي الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَنِي فَطَهِّرْهُمَا.
از ابن عباس در ضمن روایت ماجرای ازدواج علی و فاطمه علیهما السلام آمده است:
رسول خدا صلی الله علیه و آله زوجین را در بغل گرفت و فرمود:
بارها! این دو تن از من هستند و من از ایشان هستم همچنان که رجس و
پلیدی را از من زدودی این دو را نیز پاک گردان. ^[107]

فضائل ویژه علی علیه السلام

عن عمرو بن میمون: إني لجالس إلى ابن عباس إذ أتاه تسعة رهط فقالوا: يا ابن عباس، اما أن تقوم معنا و إما أن تخلو بنا من بين هؤلاء.
فقال ابن عباس: بل أنا أقوم معكم، و هو يومئذ صحيح قبل أن يعمى.
قال: فأبتدؤوا فتحدّثوا، فلا ندرى ما قالوا، قال: فجاء ينفض ثوبه و يقول: أفّ و تفّ! وقعوا في رجل له بضع عشرة فضائل ليست لأحد غيره، وقعوا في رجل قال له النبي ﷺ:

لَأُبْعَثَنَّ رَجُلًا لَا يُخْزِيهِ اللَّهُ أَبَدًا، يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ - إِلَى أَنْ قَالَ - : وَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثَوْبَهُ فَوَضَعَهُ عَلَى عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ حَسَنَ وَ حُسَيْنَ وَ قَالَ: «أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيرًا».

عمرو بن میمون گوید: در حضور ابن عباس بودم که هفت تن [108] نزد او آمدند و گفتند: یا قیام کن و از مجلس فاصله بگیر (تا در جای خلوت با هم گفتگو کنیم) یا از هم نشینان خود کناره گیر و با ما خلوت کن.

ابن عباس گفت: با شما هستم. (راوی گوید) وقوع این جریان در ایامی بود که ابن عباس هنوز نابینا نشده بود.

ابن میمون گوید: آنها به گوشه‌ای رفته و سخن آغاز کردند. ما نفهمیدیم چه سخنانی بین آنان رد و بدل شد. ابن عباس در حالی که ناراحت به نظر می‌رسید و جامه‌هایش را می‌تکاند می‌گفت: اف و تف بر شما! به مردی ناسزا می‌گویند که ده‌ها فضائل ویژه دارد. به شخصیتی بدبین‌اند و بدگویی می‌کنند که رسول

خدا ﷻ [در جنگ خیبر که دیگران رفتند و عاجزانه برگشتند] درباره او فرمود:

کسی را برای مبارزه می فرستم که خداوند هرگز او را خوار و ذلیل نکرد؛ او دوستدار خداوند و رسول است تا جایی که ابن عباس گفت: رسول خدا جامه خویش را روی علی و فاطمه و حسن و حسین قرار داد و فرمود:
جز این نیست که خداوند اراده کرده تا آلودگی را از شما اهل بیت بزدايد و شما را پاک گرداند پاک گرداندنی^[109]

خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله

عن سعد بن أبی وقاص: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ
أَبْنَاءَكُمْ» دَعَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ حَسَنًا وَ حُسَيْنًا، فَقَالَ:
اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلِي.

از سعد بن ابی وقاص نقل است که: وقتی آیه «فقل تعالوا ندع أبناءنا و
أبناءکم» (یعنی بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم و شما فرزندان خود
را) نازل شد، پیامبر اکرم ﷺ علی و فاطمه و حسن و حسین را صدا زد و به
درگاه الهی عرضه داشت:

بارالها! اینان اهل و خانواده من هستند.^[110]

معلم و مربی امام علی علیه السلام

عن أمير المؤمنين عليه السلام قال رسول الله صلى الله عليه وآله :
إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أُذْنِيكَ وَلَا أُقْصِيكَ وَأَنْ أَعْلَمَكَ، وَأَنْ تَعِيَ وَحَقُّ لَكَ أَنْ
تَعِيَ. قَالَ: فَنَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «وَتَعِيهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ».

از امیر مؤمنان عليه السلام روایت است که رسول خدا صلى الله عليه وآله به من فرمود:
خداوند مرا امر کرده که تو را نزدیک کنم و [از خود] دورت نسازم و این که
بیاموزم تو را، و تو نیز فراگیری و سزاوار توست که بیاموزی و حفظ نمایی.
ایشان گفت: پس این آیه نازل شده (و تعیها اذن و اعیة)^[111] [و بدینسان اذن
واعیه را گوش تو قرار داد].^[112]

قرین قرآن

قال رسول الله ﷺ في مرض موته:

أَيُّهَا النَّاسُ يُوشِكُ أَنْ أَقْبِضَ قَبْضًا سَرِيعًا فَيَنْطَلِقُ بِي، وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ الْقَوْلَ مَعْدِرَةً إِلَيْكُمْ؛ أَلَا إِنِّي مُخَلِّفٌ فِيكُمْ كِتَابَ رَبِّي عَزَّوَجَلَّ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ فَرَفَعَهَا فَقَالَ: هَذَا عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلِيَّ الْحَوْضَ فَاسْأَلْهُمَا مَا خَلَّفْتُ فِيهِمَا.

رسول خدا ﷺ در مرض موتش فرمود:

ای مردم! احتمال دارد به زودی قبض روح شوم و مرا ببرند. من از این سخن در این حال به شما می‌گویم تا دیگر عذری نداشته باشید. آگاه باشید که من کتاب خدای با عزت و جلال و عترتم را جانشین خود در بین شما می‌گذارم. آن‌گاه دست علی را گرفته بلند کرد و فرمود: این علی با قرآن است و قرآن با علی است هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا کنار حوض بر من در آیند، آن‌گاه از آن

دومی می‌پرسم درباره عمل به توصیه‌ام درباره دو جانشینم.^[113]

امام علی علیه السلام بهترین امت

قال رسول الله ﷺ :

أَنْتَ خَيْرُ أُمَّتِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

رسول خدا ﷺ به علی عليه السلام فرمود:

تو بهترین امتم در هر دو سرا می باشی. [114]

سرانجام ما و شیعیان

قال رسول الله ﷺ :

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَخَذْتُ بِحُجْزَةِ اللَّهِ وَأَخَذْتُ أَنْتَ بِحُجْزَتِي. وَأَخَذَ وُلْدُكَ بِحُجْزَتِكَ، وَأَخَذَتْ شِيعَةُ وُلْدِكَ بِحُجْزَتِهِمْ فَتَرَى أَيْنَ يُؤْمَرُونَ.

رسول خدا ﷺ فرمود:

چون رستاخیز برپا شد به خدا متوسل خواهیم شد و تو به من متوسل می شوی و فرزندان تو به تو متوسل می شوند و پیروان ذریهات به آنها متوسل می شوند و خواهی دید که ما را به کجا هدایت خواهند کرد. [115]

خدا با علی علیه السلام راز گفت

عن جندب بن ناجية (أو ناجية بن جندب) لَمَّا كَانَ يَوْمُ غَزْوَةِ الطَّائِفِ قَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَعَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَلِيًّا ثُمَّ مَرَّ فَقَالَ لَهُ أَبُو بَكْرٍ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَقَدْ طَالَتْ مُنَاجَاتُكَ عَلِيًّا مُنْذُ الْيَوْمِ، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَا أَنَا أَنْتَجِيئُهُ وَلَا كِنَّ اللَّهَ أَنْتَجَاهُ.

از جندب بن ناجیه (یا ناجیه بن جندب) نقل است که: در روز جنگ طائف رسول خدا ﷺ مدتی با علی به راز سخن گفت و چون گفتگوها طولانی شد ابوبکر به حضرت گفت: ای رسول خدا! گفتمان و راز گویتان به درازا کشید. حضرت فرمود:

من با او راز نمی گفتم بلکه خداوند با او راز می گفت. [116]

مهرورزی به امام علی علیه السلام

عن سلمان قال رسول الله ﷺ :

مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فَقَدْ أَبْغَضَنِي.

از سلمان فارسی نقل است که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود:

کسی که به علی مهر بورزد و محبت کند چنان است که به من محبت ورزیده،

و کسی که به او کینه توزی نماید در حقیقت با من دشمنی کرده است.^[117]

همانند انبیا علیهم السلام

عن الحارث الأعور: أن النبي ﷺ قال:

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ، وَ نُوحٍ فِي فَهْمِهِ، وَ إِبْرَاهِيمَ فِي حِلْمِهِ، وَ

يَحْيَى فِي زُهْدِهِ، وَ مُوسَى فِي بَطْشِهِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.

از حارث اعور نقل است که رسول خدا ﷺ فرمود:

هر کس دوست می دارد که مشاهده کند علم آدم ابوالبشر را، و فهم نوح

علیه السلام را و حلم ابراهیم علیهما السلام را و زهد یحیی علیهما السلام را و دلاوری موسی علیهما السلام را،

پس به سوی علی بن ابی طالب بنگرد.^[118]

جوان مردی جز علی علیه السلام نیست

عن جابر: قال رسول الله ﷺ يوم بدر:

هذا رضوان، ملكٌ من ملائكة الله يُنادى: لا سيفَ إلا ذو الفقار، ولا فتى إلا
عليّ.

از جابر بن عبدالله نقل است که رسول خدا ﷺ در جنگ بدر^[119] فرمود:
این رضوان، یکی از فرشتگان خداست که از آسمان ندا می دهد: هیچ شمشیر
(برنده ای) جز ذوالفقار، و جوان مردی جز علی نیست.^[120]

امام اولیای خدا

عن أنس: قال رسول الله ﷺ :

إِنَّ رَبَّ الْعَالَمِينَ عَهْدَ إِلَيَّ عَهْدًا فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَقَالَ: إِنَّهُ رَايَةُ الْهُدَى، وَ
مَنَارُ الْإِيمَانِ وَ إِمَامٌ أَوْ لِيَائِي، وَ نُورٌ جَمِيعٍ مَنْ أَطَاعَنِي.
يَا أَبَا بَرزَةَ، عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِينِي غَدًا فِي الْقِيَامَةِ وَ صَاحِبُ رَايَتِي فِي
الْقِيَامَةِ عَلَيَّ مَفَاتِيحَ خَزَائِنِ رَحْمَةِ رَبِّي.

از انس نقل است که رسول خدا ﷺ فرمود:

پروردگار جهان درباره علی بن ابی طالب عهدی بسته است که او علم هدایت،
منار ایمان و امام دوستان و پیروان من است. او روشنایی کسانی است که مرا
اطاعت کنند.

ای ابو برزه! علی بن ابی طالب در روز رستاخیز امین من خواهد بود. و او در
قیامت صاحب علم و پرچمدار من است [و امین بر کلیدهای گنجینه‌های رحمت

[121] پروردگارم [122]

امیر نیکوکاران

عن حذیفة: قال رسول الله ﷺ :

عَلِيٌّ أَمِيرُ الْبِرَّةِ، وَقَاتِلُ الْفَجْرَةِ، مَنْصُورٌ مَنْ نَصَرَهُ، مَخْذُولٌ مَنْ خَذَلَهُ، أَلَا وَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَيَتَّبِعُهُ، أَلَا فَمِيلُوا مَعَهُ.

از حذیفة نقل است که رسول اکرم ﷺ فرمود:

علی، فرمانروای نیکان، و کُشنده بدان و پست فطرتان است؛ کسی که یاریش کند، پیروز و کسی که به او پشت کند و خوارش نماید مخذول و خوار خواهد شد به هوش باشید که حق با اوست و او را دنبال می‌کند. آگاه باشید که گرایش و حرکتتان با محوریت او باشد. [123]

پیروان علی علیه السلام

عن ابن عباس: قال رسول الله ﷺ :

إِنَّكَ سَتَقْدِمُ عَلَى اللَّهِ وَشِيعَتِكَ رَاضِينَ مَرْضِينَ.

از ابن عباس نقل است که گفت: نبی مکرم ﷺ به علی عَلِيٍّ فرمود:

تو در پیشگاه خدا حاضر خواهی شد و شیعیانت خرسند (از پیشواییات) و

مورد رضایت حق تعالی خواهند بود.^[124]

خداوند او را بیشتر دوست دارد

قال ابن عباس كنتُ أنا و أبي العباسُ بنُ عبدِ المُطلبِ جالسَيْنِ عندَ رسولِ اللهِ ﷺ إذ دخلَ عليُّ بنُ أبي طالبٍ فسَلَّمَ فردَّ عليه رسولُ اللهِ ﷺ و بشرَ به و قامَ إليه و اعتنقه و قَبَلَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ و أَجْلَسَهُ عَن يَمِينِهِ.

فقال العباسُ: يا رسولَ اللهِ، أتُحِبُّ هذا؟

فقال النَّبيُّ ﷺ:

يا عمَّ رسولِ اللهِ، واللهِ لَللهِ أَشَدُّ حُبًّا لهُ مِنِّي، إنَّ اللهَ جَعَلَ ذُرِّيَّةَ كُلِّ نَبِيٍّ فِي صُلْبِهِ و جَعَلَ ذُرِّيَّتِي فِي صُلْبِ هَذَا.

ابن عباس گفت: من و پدرم (عباس بن عبدالمطلب) در حضور رسول خدا ﷺ شرفیاب بودیم در این هنگام علی بن ابی طالب وارد شد و سلام داد. پیامبر ﷺ بعد از جواب سلام با چهره‌ای گشاده در حالی که خوشحال به نظر می‌رسید برخاست؛ او را در بغل گرفت و پیشانی‌اش را بوسه داد و او را در طرف راست خود نشانید.

عباس (که ناظر جریان بود) گفت: ای رسول خدا! آیا او را دوست می‌داری؟ رسول خدا ﷺ فرمود: عمو جان! به خدا سوگند خدا او را از من بیشتر دوست دارد؛ خداوند نسل هر پیامبری را از پشت همان پیامبر قرار داد و نسل مرا در صلب این شخص نهاده است. [125]

فهرست منابع

1. القرآن الكريم.
- الف -
2. ارجح المطالب، عبيدالله امرتسرى.
3. الاربعين المنتقى من مناقب المرتضى، رضى الدين ابو الخير احمد بن اسماعيل طالقانى شافعى (م 590 ق) (چاپ شده در مجله تراثنا، عدد اول، سال 1405 ق).
4. أساس البلاغه، ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشرى (م 538 ق).
5. أسباب نزول القرآن، ابوالحسن على بن احمد واحدى نيشابورى (م 468 ق).
6. الاستيعاب فى معرفة الاصحاب، يوسف بن عبدالله ابن عبدالبر قرطبي مالكى (م 363 ق)، (چاپ شده در حاشية الاصابة).
7. اسد الغابة فى معرفة الصحابة، عز الدين على بن ابى المكرم محمد بن محمد بن عبدالكريم شيبانى معروف به ابن اثير جزرى (م 630 ق)، بيروت: داراحياء التراث العربى.
8. الاصابة فى تمييز الصحابة، احمد بن على ابن حجر عسقلانى شافعى (م 812 ق)، قاهره: 1328 ق.
9. الامالى الخميسية (امالى شجرى)، يحيى بن حسين شجرى (م 499 ق).
10. الانباء المستطابة، ابن سيد الكل.
11. انساب الاشراف، احمد بن يحيى بن جابر بلاذرى (م 279 ق).
- پرتوى از فضائل امير مؤمنان، على عليه السلام، ص: 174
- ب - ت -
12. البداية و النهاية، اسماعيل بن عمر بن كثير دمشقى (م 774 ق).
13. تاريخ بغداد (مدينة السلام)، احمد بن على بن ثابت خطيب بغدادى (م 463 ق).
14. تاريخ الخلفاء، جلال الدين عبد الرحمن سيوطى (م 911 ق).

15. تاريخ مدينة دمشق (ترجمة الامام على عليه السلام)، ابوالقاسم على بن حسن بن هبة الله شافعي (ابن عساكر دمشقي).
16. تاريخ مدينة دمشق (ترجمة الامام الحسن عليه السلام)، ابن عساكر دمشقي، (م 571 ق).
17. التدوين في أخبار قزوين، عبدالكريم بن محمد رافعي قزويني (623 ق).
18. تراثنا، مجلة مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم
19. تفسير روح المعاني (تفسير آلوسي)، محمود بن عبدالله آلوسي (م 1270 ق).
20. تفسير طبري (جامع البيان في تفسير القرآن)، ابوجعفر محمد بن جرير طبري (م 310 هـ ق).
21. تفسير قرطبي (الجامع لاحكام القرآن)، محمد بن احمد انصاري قرطبي (م 671 ق).
22. تنزيه الشريعة المرفوعة عن الاحاديث الشنيعة الموضوعة، ابوالحسن على بن محمد ابن عراق الكناني (م 963 ق).
23. تهذيب تاريخ دمشق (ابن عساكر)، عبدالقادر بدران (م 1346 ق)
24. توضيح الدلائل، شهاب الدين ايجي.
- ج - ح - خ -
25. الجامع الصغير، جلال الدين عبدالرحمن سيوطي (م 911 ق).
- پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: 175
26. الجامع الكبير، جلال الدين عبدالرحمن سيوطي (م 911 ق).
27. جمع الجوامع، تاج الدين سبكي.
28. جواهر المطالب في مناقب الامام على بن ابي طالب عليه السلام، (المناقب لابن الدمشقي)، محمد بن احمد دمشقي باعوني شافعي، (م 871 ق).
29. حلية الاولياء و طبقات الأصفياء، ابو نعيم احمد بن عبدالله اصفهاني (م 430 هـ).
30. خصائص الامام امير المؤمنين عليه السلام، احمد بن شعيب نسائي (م 303 ق).
- د - ذ - ر - ز -
31. الدر المنثور في التفسير المأثور، جلال الدين عبدالرحمن سيوطي (م 911 ق).
32. ذخائر العقبي في مناقب ذوى القربى، محب الدين احمد بن عبدالله طبري، (م 694 ق)، مصر: 1352 ق.
33. رشفة الصادي، ابوبكر حضرمي.

34. الرياض النضرة فى مناقب العشرة، محب الدين طبرى (م 694 ق).

35. زهر الرياض.

- س -

36. سنن ابن ماجة، محمد بن يزيد بن ماجه قزوینی (م 275 ق).

37. سنن الترمذی (الجامع الصحيح)، محمد بن عيسى بن سورة ترمذی، (م 297 ق).

38. سير اعلام النبلاء، ابو عبدالله محمد بن احمد ذهبی، (م 748 ق).

39. السيرة النبوية، عبدالملك بن هشام بن ايوب حميرى، (م 218 ق).

پرتوى از فضائل امير مؤمنان، على عليه السلام، ص: 176

- ش -

40. شرح المقاصد، سعد الدين مسعود بن عمر تفتازانى شافعى (م 793 ق).

41. شرح نهج البلاغه، عز الدين عبدالحميد بن محمد بن ابى الحديد معتزلى، (م 656 ق).

42. شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، حاكم حسانى: عبید الله بن عبدالله بن احمد حنفي نيشابورى

(قرن 5).

- ص -

43. الصواعق المحرقة، احمد بن حجر هيئمی مكى (م 974 ق).

- ط -

44. طبقات الحنابلة، ابو الحسين محمد بن يعلى، (م 527 ق).

45. الطبقات الكبرى، محمد بن سعد كاتب واقدى: (ابن سعد)، (م 230 ق).

- ع - غ -

46. عبقات الانوار، علامه مير حامد حسين نيشابورى لکنهوى (م 1036 ق).

47. العلل المتناهية فى الاحاديث الواهية، ابوالفرج عبدالرحمان بن على (ابن جوزى) (م 597 ق).

48. العلل الواردة فى الاحاديث النبوية، ابوالحسن على بن عمر دارقطنى (م 385 ق).

49. الغدير فى الكتاب و السنة و الأدب، عبدالحسين امينى (م 1390 ق).

- ف - ق -

50. فتح البارى فى شرح صحيح البخارى، احمد بن على بن حجر عسقلانى (م 852 ق).

پرتوى از فضائل امير مؤمنان، على عليه السلام، ص: 177

51. فتح القدير، محمد بن على بن محمد شوكانى (م 1250 ق).

52. فتح الملك العلى بصحة حديث باب مدينة العلم على. احمد بن محمد بن الصديق الغمارى الحسنى.

53. فرائد السمطين فى فضائل المرتضى والتول والسبطين والائمة من ذريتهم عليهم السلام، ابراهيم بن محمد جوينى حموينى (م 730 ق).

54. فردوس الاخبار، شيرويه بن شهردار بن شيرويه ديلمى همدانى (م 509 ق).

55. فضائل امير المؤمنين عليه السلام، ابوالعباس احمد بن محمد كوفى (ابن عقده).

56. فضائل الصحابة، احمد بن محمد بن حنبل شيبانى (م 241 ق).

57. الفوائد المجموعة فى الأحاديث الموضوعية، محمد بن على بن محمد شوكانى، (م 1250 ق).

58. فيض القدير، محمد عبدالرئوف مناوى (م 1031 ق).

59. القول الجلى، ابن تيميه حرانى (م 728 ق)

- ك -

60. الكشاف، محمد بن عمر زمخشرى (م 538 ق).

61. كشف الخفاء و مزيل الألباس عما اشتهر من الاحاديث على السنة الناس، اسماعيل بن محمد عجلونى (م 1162 ق).

62. كفاية الطالب فى مناقب على بن ابى طالب عليه السلام، محمد بن يوسف بن محمد گنجى شافعى (م 658 ق).

63. كنز العمال فى سنن الأقوال و الأفعال، علاء الدين على متقى بن حسام الدين هندى (م 975 ق).

64. كنوز الحقائق فى احاديث خير الخلائق، عبدالرؤف مناوى (م 1031 ق).

پرتوى از فضائل امير مؤمنان، على عليه السلام، ص: 178

- ل -

65. اللآلى المصنوعة فى الاحاديث الموضوعة، سيوطى (م 911 ق).

66. لسان الميزان، احمد بن على بن حجر عسقلانى (ابن حجر) (م 807 ق)

- م -

67. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، على بن ابوبكر هيثمى (م 817 ق)

68. المستدرک على الصحيحين، ابو عبدالله محمد بن عبدالله حاكم نيشابورى (م 407 ق)

69. مسند على بن ابى طالب عليه السلام، سيوطى.

70. مسند فاطمه سلام الله عليها، سيدحسين شيخ الاسلام تويسركانى.

71. المسند، احمد بن محمد بن حنبل شيبانى (م 241 ق).

72. المسند، ابن ابى حاكم.

73. المسند، أبى يعلى موصلى احمد بن على بن مثنى تميمى (م 307 ق).

74. المصنف، ابوبكر عبدالله بن محمد ابن ابى شيبة كوفى (م 235 ق)

75. المصنف، ابوبكر عبدالرزاق بن همام صنعانى (م 211 ق).

76. المعجم الاوسط، سليمان بن احمد طبرانى (م 360 ق)

77. المعجم الكبير، سليمان بن احمد طبرانى (م 360 ق).

78. معرفة الصحابة، ابونعيم احمد بن عبدالله اصفهانى (م 430 ق).

79. المعيار و الموازنة، محمد بن عبدالله معتزلى اسكافى (م 240 ق).

80. مقتل الحسين عليه السلام، موفق بن احمد مكى خوارزمى (م 568 ق).

81. ملحقات احقاق الحق، آيت الله سيد شهاب الدين نجفى مرعشى رحمة الله عليه.

پرتوى از فضائل امير مؤمنان، على عليه السلام، ص: 179

82. مناقب الامام على بن ابى طالب عليه السلام، على بن محمد بن محمد واسطى ابن مغازلى شافعى

(م 482 ق).

83. مناقب سيدنا عليعليه السلام، عبنى.

84. المواقف فى علم الكلام، قاضى عضدالدين ايجى.

85. موضح أوهام الجمع و التفریق (ذيل التاريخ الكبير)، ابوبكر احمد بن على بن ثابت خطيب

بغدادى (م 463 ق).

86. ميزان الاعتدال فى نقد الرجال، محمد بن احمد ذهبى (م 275 ق).

- ن -

87. نظم درر السمطين في فضائل المصطفى و المرتضى و البتول و السبطين، محمد بن يوسف بن حسن بن محمد زرندي حنفي مدني (م 750 ق).
88. النهاية في غريب الحديث و الاثر، ابن اثير مبارك بن محمد جزري (م 606 ق).
89. نوادر الاثر في علي عليه السلام خير البشر، جعفر بن احمد بن علي رازي (قرن 4).
90. نور البراهين؛ سيد نعمة الله موسوي جزائري (م 1112 ق).

- ي -

91. يناييع المودة لذوى القربى، سليمان بن ابراهيم قندوزي حنفي (م 1294 ق).
پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: 181
آثار حضرت آیت الله العظمی صافی مدظله الوارف در یک نگاه

نام کتاب ----- زبان ----- ترجمه

فقه:

- 1- توضیح المسائل ----- فارسی -----
- 2- منتخب الاحکام ----- فارسی -----
- 3- احکام نوجوانان ----- فارسی ----- انگلیسی
- 4- جامع الاحکام در 2 جلد ----- فارسی -----
- 5- استفتائات قضایی ----- فارسی -----
- 6- استفتائات پزشکی ----- فارسی -----
- 7- مناسک حج ----- فارسی ----- عربی
- 8- مناسک عمره مفرده ----- فارسی ----- عربی
- 9- هزار سؤال پیرامون حج ----- فارسی -----
- 10- پاسخ کوتاه به 300 پرسش در 2 جلد ----- فارسی -----
- 11- اعتبار قصد قربت در وقف ----- فارسی -----
- 12- رساله در احکام ثانویه ----- فارسی -----
- 13- فقه الحج در 4 جلد ----- عربی -----

- 14- هداية العباد در 2 جلد----- عربى -----
- 15- هداية السائل----- عربى -----
- 16- حواشى على العروة الوثقى----- عربى -----
- 17- رسائل الخمس فى فقه الإمامية----- عربى -----
- 18- صلاة المسافر----- عربى -----
- پرتوى از فضائل امير مؤمنان، على عليه السلام، ص: 182
- 19- فقه الخمس----- عربى -----
- 20- أوقات الصلوة----- عربى -----
- 21- الاحكام الشرعية ثابتة لا تتغير----- عربى ----- فارسى
- 22- التعزير (احكامه و ملحقاته)----- عربى -----
- 23- ضرورة وجود الحكومة او ولاية الفقهاء فى عصر الغيبة (الخمس و ولاية الفقيه)-----
عربى----- فارسى
- 24- رسالة فى معاملات المستحدثة----- عربى -----
- 25- التداعى فى مال من دون بينة و لا يد----- عربى -----
- 26- رسالة فى المال المعين المشتبه ملكيته----- عربى -----
- 27- حكم نكول المدعى عليه عن اليمين----- عربى -----
- 28- ارث الزوجة----- عربى -----
- 29- مع الشيخ جاد الحق فى ارث العصبه (مسألة التعصيب)----- عربى -----
- 30- حول ديات ظريف ابن ناصح----- عربى -----
- 31- بحث حول الاستسقام بالازلام (مشروعية الاستخارة)----- عربى -----
- 32- الشعائر الحسينيه----- عربى -----
- 33- آنچه هر مسلمان بايد بداند----- تركى -----
- پرتوى از فضائل امير مؤمنان، على عليه السلام، ص: 183
- اصول فقه:
- 34- بيان الاصول در 3 جلد----- عربى -----
- 35- رسالة فى الشهرة----- عربى -----
- 36- رسالة فى حكم الاقل و الاكثر فى الشبهة الحكمية----- عربى -----
- 37- رسالة فى الشروط----- عربى -----

قرآن و تفسیر:

- 38- تفسیر آیه فطرت----- فارسی-----
- 39- القرآن مصون عن التحریف----- عربی-----
- 40- تفسیر آیه التطهیر----- عربی-----
- 41- تفسیر آیه الانذار----- عربی-----
- عقاید و کلام-----
- 42- عرض دین----- فارسی-----
- 43- به سوی آفریدگار----- فارسی-----
- 44- الهیات در نهج البلاغه----- فارسی-----
- 45- معارف دین 2 جلد----- فارسی-----
- 46- پیرامون روز تاریخی غدیر----- فارسی-----
- 47- ندای اسلام از اروپا----- فارسی-----
- 48- نگرشی بر فلسفه و عرفان----- فارسی-----
- 49- نیایش در عرفات----- فارسی-----
- 50- سفرنامه حج----- فارسی-----
- 51- شهید آگاه----- فارسی-----
- 52- نوید امن و امان----- فارسی-----
- پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: 184
- 53- پاسخ ده پرسش----- فارسی-----
- 54- اصالت مهدویت----- فارسی-----
- 55- تجلی توحید در نظام امامت----- فارسی----- عربی
- 56- نظام امامت و رهبری----- فارسی-----
- 57- ولایت تکوینی و ولایت تشریحی----- فارسی-----
- 58- پیرامون معرفت امام----- فارسی-----
- 59- عقیده نجات بخش----- فارسی-----
- 60- به سوی دولت کریمه----- فارسی-----
- 61- باورداشت مهدویت----- فارسی----- عربی
- 62- انتظار، عامل مقاومت و حرکت----- فارسی-----

- 63- فروغ ولایت در دعای ندبه-----فارسی-----عربی
- 64- معرفت حجت خدا-----فارسی-----
- 65- وابستگی جهان به امام زمان-----فارسی-----
- 66- توضیحات پیرامون کتاب عقیده مهدویت در تشیع امامیه-----فارسی-----انگلیسی
- 67- امامت و مهدویت-----فارسی-----
- 68- پیام‌های مهدوی-----فارسی-----
- 69- گفتمان مهدویت-----فارسی-----انگلیسی
- 70- گفتمان عاشورایی-----فارسی-----
- 71- مقالات کلامی-----فارسی-----
- 72- الی هدی کتاب الله-----عربی-----
- 73- ایران تسمع فتجیب-----عربی-----
- پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: 185
- 74- رساله حول عصمة الانبياء و الائمة-----عربی-----
- 75- تعلیقات علی رساله الجبر و القدر-----عربی-----
- 76- لمحات فی الكتاب و الحدیث و المذهب-----عربی-----
- 77- صوت الحق و دعوة الصدق-----عربی-----
- 78- رد اکذوبة خطبة الامام علی، علی الزهرا علیهما السلام-----عربی-----
- 79- مع الخطیب فی خطوطه العریضة-----عربی-----اردو/فرانسه
- 80- رساله فی البداء-----عربی-----
- 81- جلاء البصر لمن يتولى الائمة الاثني عشر-----عربی-----
- 82- حدیث افتراق المسلمین علی ثلاث و سبعین فرقة-----عربی-----
- 83- من لهذا العالم؟-----عربی-----
- 84- بین العلمین، الشیخ الصدوق و الشیخ المفید-----عربی-----فارسی
- 85- مقدّمات مفصّلة علی «مقتضب الاثر» و «مکیال المکارم» و «منتقى الجمان»-----عربی-----
-
- 86- امان الامّة من الضلال والاختلاف-----عربی-----
- پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: 186
- 87- البكاء علی الامام الحسین علیه السلام-----عربی-----

88- النقود اللطيفة على الكتاب المسمى بالاخبار الدخيلة-----عربی-----

حدیث:

89- منتخب الاثر در 3 جلد-----عربی----- اردو/

انگلیسی

90- قیس من مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام

(مئة و عشر حدیث من کتب عامة)-----عربی----- فارسی

91- احادیث الائمة الاثنی عشر، اسنادها و الفاظها-----عربی-----

92- احادیث الفضائل-----عربی-----

93- پرتوی از فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام-----فارسی-----

تاریخ:

94- سیرحوزه‌های علمی شیعه-----فارسی-----

95- رمضان در تاریخ (حوادث تاریخی)-----فارسی-----

سیره:

96- پرتوی از عظمت امام حسین علیه السلام-----فارسی-----

97- با عاشوراایمان-----فارسی-----

پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: 187

98- آینه جمال-----فارسی-----

99- از نگاه آفتاب-----فارسی-----

100- اشک و عبرت-----فارسی-----

تربیتی:

101- ماه مبارک رمضان، مکتب عالی تربیت و اخلاق-----فارسی-----

102- راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر-----فارسی-----

103- با جوانان-----فارسی-----

شعر:

104- دیوان اشعار-----فارسی-----

105- بزم حضور-----فارسی-----

106- آفتاب مشرقین-----فارسی-----

107- صحیفه المؤمن-----فارسی-----

- 108- سبط المصطفى ----- فارسی -----
- 109- در آرزوی وصال ----- فارسی -----
مقاله‌ها و خطابه‌ها:
- 110- حدیث بیداری (مجموعه پیام‌ها) ----- فارسی -----
- 111- شب‌پرگان و آفتاب ----- فارسی -----
- 112- شب عاشورا ----- فارسی -----
- 113- صبح عاشورا ----- فارسی -----
- تراجم:
- 114- زندگانی آیت الله آخوند ملامحمد جواد صافی گلپایگانی ----- فارسی -----
پرتوی از فضائل امیر مؤمنان، علی علیه السلام، ص: 188
- 115- زندگانی جابر بن حیان ----- فارسی -----
- 116- زندگانی بوداسف ----- فارسی -----

-
- [1] (1). بحار الانوار، ج 5، ص 84.
- [2] (2). فرائد السمطين، ج 1، ص 19؛ كفاية الطالب، ج 1، ص 18.
- [3] (1). بحار الانوار، ج 38، ص 197.
- [4] (1). [المناقب خوارزمی، ص 37؛ المقتل، 42؛ طبع نجف، ینابیع المودة، ص 82].
- [5] (2). اسد الغابة، 4، ص 23.
- [6] (1). شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحديد، 15، ص 194.
- [7] (1). نک نهج البلاغه، كلمات قصار، 74.
- [8] (2). نهج البلاغه، نامه 45.
- [9] (3). [خطبه قاصعه، نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه 192]
- [10] (1). این عدد معادل نام شریف علی علیه السلام به حسب حروف ابجد است. البته با محاسبه احادیثی که در پانوشت بدان افزودم بیش از این شمار شده است. و الحمد لله.
- [11] (1). رشفة الصادی فی بحر فضائل بنی النبی الهادی، ابوبکر حضرمی، ص 75.

[12] (1) گروهی از ارباب صحاح اهل سنت و مسانید و جوامع روایی آنان به طرق بسیار و صحیح که متجاوز از حد تواتر است نقل کرده‌اند: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به هنگام مراجعت از «حجة الوداع» در مکانی به نام «غدیر خم» توقف کرده و خطبه‌ای ایراد کرد و مسلمانان را به چنگ زدن به دو گوهر گرانبها (یعنی کتاب خدا و خاندان پیامبر) توصیه فرمود و افزود که این دو هیچ‌گاه از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض کوثر بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله درآیند، آن‌گاه بازوی علی علیه‌السلام را گرفت و فرمود: «هر کس را که من مولای اویم علی نیز مولای اوست ...»

\E***Y عقیده نگارنده این است که: احادیث «غدیر»، «ولایت»، «تقلین»، «منزلت»، «ائمہ اثنا عشر»، «طبر»، «کساء»، «مباهله»، و احادیث دیگر از این قبیل تمامی از مشهورترین روایات با صحیح‌ترین اسناد، و طرق فراوان می‌باشند که جمعی از یاران رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به نقل آنها پرداخته‌اند و احدی قادر نیست در بین روایات، احادیثی را که قابل سنجش با احادیث یاده شده از حیث اعتبار و تواتر و شهرت را بیابد مگر خیلی کم. و ضبط کلیه اسناد و الفاظ این روایات فوق العاده دشوار است به نحوی که برای آنها تک‌نگاری‌هایی در دست است و گاه برخی از آنها چند مجلد را تشکیل می‌دهد که در این دفتر فهرست و از باب تبرک و تیمن آنها را نقل می‌کنیم.

و سپاس ویژه خداوندی است که ما را از متمسکین به ولایت امیر المؤمنین و ائمه از فرزندانش تا امام عصر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار داد.

[13] (1) تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، ج 2، ص 923 / 412.

نیز نک: الدر المنثور، ج 4، ص 45؛ تفسیر روح المعانی، ج 13، ص 97؛ تفسیر طبری، ج 3، ص 72.

این حدیث از روایات مشهور است. سیوطی در الدر المنثور درباره آن گوید: این حدیث را ابن جریر و ابن مردویه، و ابو نعیم در المعرفة، و دیلمی، و ابن عساکر و ابن نجار نقل کرده‌اند.

چون آیه: «أَنتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» [سوره رعد، آیه 7] (همانا تو بیم دهنده‌ای و برای هر قومی هدایت‌کننده‌ای است) فرو فرستاده شد، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دست مبارک خویش به سینه نهاد و گفت: «من بیم دهنده‌ام.» آن‌گاه با دست خود به شانه علی اشاره کرده فرمود: «یا علی! تو هدایت‌کننده‌ای و هدایت‌شوندگان پس از من توسط تو راه می‌یابند.»

و مانند همین را از ابی برزه، ابن مردویه، ضیاء در المختاره از ابن عباس و از عبدالله بن احمد در زوائد المسند ابن ابی حاتم و طبرانی در الاوسط و حاکم نقل نموده و آن را صحیح تلقی کرده است.

و ابن مردویه و ابن عساکر از علی بن ابی طالب نقل کرده‌اند که در خصوص آیه: «أَمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله بیم دهنده است و من هدایت کننده‌ام.» [14] (1). الفردوس، ج 1، ص 106 / 44؛ المستدرک (حاکم)، ج 3، ص 126؛ تاریخ بغداد، ج 2، ص 277 و ج 4، ص 348؛ مجمع الزوائد، ج 9، ص 114؛ تهذیب تاریخ دمشق، ج 3، ص 38؛ اللآلی المصنوعة (سیوطی)، ج 1، ص 329؛ اسد الغابة، ج 4، ص 22.

در کتاب فتح الملک العلی بصرحة حدیث باب مدینة العلم علی، ص 164 این گونه آمده است: حافظ سیوطی در الجامع الکبیر می گوید: مدتی بود که در مقام پاسخگویی به این پرسش که سند این حدیث چگونه است می گفتم: حسن است تا از حسن اتفاق مواجه شدم با تصحیح ابن جریر در رابطه با نقل حدیث از علی از کتاب تهذیب الآثار به همراه تصحیح حاکم نیشابوری نسبت به نقل این روایت از ابن عباس، آن گاه استخاره کردم و مطمئن شدم به ارتقاء مرتبه حدیث از «حسن» به «صحیح».*

نیز رجوع شود به کتاب «مناقب سیدنا علی»، ص 25 و کتاب المستدرک علی الصحیحین، ج 3، ص 126.

ترمذی در کتاب الجامع الصحیح، ج 5، ص 3723 / 637 از علی علیه السلام نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «من خانه حکمت و علی باب آن است.» و ابن عساکر در تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه السلام)، ج 2، ص 990 / 459 و ابونعیم اصفهانی در کتاب حلیة الاولیاء، ج 1، ص 64 همین حدیث را ثبت کرده‌اند. و رجوع نمایید به کتاب فتح الملک العلی بصرحة حدیث باب مدینة العلم علی علیه السلام که در آن علم فراوانی خواهید یافت.

نیز از سلمان فارسی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که حضرت فرمودند: «داناترین امت بعد از من علی بن ابی طالب است.»

الفردوس، ج 1، ص 1491 / 370؛ جمع الجوامع / 3794؛ کنز العمال / 32977. سعید بن مسیب گوید: «در میان اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم تنها کسی که مدعی سلونی» (از من پرسش کنید) شده، علی بن ابی طالب بود.»

توضیح الدلائل، ص 211؛ الاستیعاب (چاپ شده در حاشیة الاصابه)، ج 3، ص 40، تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه السلام)، ج 3، ص 1054 / 31.

از سفیان نقل است که گفت: «احدی با علی احتجاج نداشت جز آن که علی با براهین، استدلال اورا بر هم زدو بر او چیره شد.» مناقب ابن مردویه، 77 / 87.

ابن مردویه گوید: برای صحابه پیامبر اقدس اکرم صلی الله علیه و آله وسلم پیشامد ناگواری رخ داد از این رو عمر آنها را فرا خواند به علی گفت: «تو راه حل بده که بهترین و داناترین آنانی.»

کتاب ملحقات احقاق الحق، 233: 8. و عبارتی نزدیک به این مضمون در ذخائر العقبی، ص 81 نقل شده است. و نیز در نقلها فراوان آمده است که عمر همیشه می گفت: «اگر علی نبود، عمر هلاک می شد.»

رجوع شود به کتاب الاستیعاب (چاپ شده در حاشیة الاصابه) 39: 3.

به طور خلاصه باید گفت: «در کتاب الغدیر صد و چهل و سه مصدر برای این حدیث ذکر کرده. و علامه لکهنوی درباره این حدیث و مباحث پیرامون آن دو جلد کتاب قطور تصنیف کرده که صفحات آن بالغ بر 1345 خواهد بود.»

[* حدیث صحیح عبارت است از حدیث مسندی که اسناد آن به نقل عادل با قدرت ضبط و حفظ قوی از افراد مانند خود روایت کرده باشند و تحت عنوان شاذ و معلل قرار نگیرد. نک: ارشاد طلاب الحقائق الی معرفة سنن خیر الخلائق.]

[15] (1). الفردوس، 1 / 107 / 44؛ کشف الخفاء، 1 / 236.

[16] (1). الفردوس، 244: 2 / 3151؛ الجامع الصغیر، 665: 1 / 4332؛ کنز العمال، 11 / 601 / 32894؛ مناقب علی ابی طالب (ابن مغزلی)، 206 / 243.

[17] (1). الفردوس، 46: 1 / 115؛ تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه السلام)، 163174: 3 / 1178 و 1185؛ کنز العمال، 32968.

از ابن عمر روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مردم از درخت های متعددنند و من و علی از یک درخت آفریده شده ایم.»

نیز نک: توضیح الدلائل از شهاب الدین، ایچی / 123.

[18] (1). الفردوس 46: 1 / 115، تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه السلام) 163 174: 3 / 1178 و 1185؛ کنز العمال / 32968.

انس از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که حضرت فرمود: «علی پس از من آنچه را که مردم از تأویل قرآن نمی دانند را به آنها تعلیم می دهد.» شواهد التنزیل، 39: 1 / 28.

- [19] (1) الفردوس، 52: 135 / 1؛ تنزیه الشریعة، 14: 1؛ تهذیب تاریخ دمشق، 4 / 231.
- و عبدالرحمن بن عوف از رسول خدا صلی الله علیه و آله این گونه روایت کرده است که حضرت فرمود:
- « من درختم، و فاطمه تنه و فرع آن، و علی موجب باروری آن است و حسن و حسین میوه آن، و شیعیان ما برگ آنند. و اصل آن درخت در بهشت عدن قرار دارد و باقیمانده اجزایش در دیگر جاهای بهشت است.» المستدرک علی الصحیحین، 174: 3 / 4755.
- [20] (1) میزان الاعتدال ذهبی، 3 / 76.
- و از انس روایت آورده که گفت: در حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودم ناگهان علی را دیدم که از روبرو می آید حضرت فرمود: «انس! عرض داشتم: بلی یا رسول الله. فرمود:» این که از مقابل می آید حجت من است بر امتم در رستاخیز.» جواهر المطالب، ج 1، ص 193؛ تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه السلام)، ج 2، ح 800 و مابعد آن.
- [21] (1) الفردوس، 152: 1 / 552.
- [22] (1) مجمع الزوائد، ج 2، ص 112 به نقل از طبرانی.
- [23] (1) الصواعق، 97. (چاپ مصر) سال 1308؛ ذخائر العقبی (چاپ مصر) سال 1356 و غیر آن دو.
- [24] (1) تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه السلام) 337: 2 / 846؛ ذخایر العقبی، 89؛ الرياض النضرة، 209 / 2؛ جواهر المطالب، 1 / 227.
- [25] (1) الفردوس، 85: 2 / 2459؛ کنز العمال 33031؛ تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه السلام)، 218: 2 / 182؛ مقتل الحسین (ع) خوارزمی، 97: 2.
- [26] (1) الفردوس، 100: 2 / 2530؛ تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه السلام)، 178 / 2، 182 / 666؛ جواهر المطالب، 227: 1؛ فرائد السمطین، 292: 1.
- انس در ضمن حدیثی روایت کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود:
- « به خدا سوگند تو نخستین آنهایی » و این را سه مرتبه بیان فرمود. علی سؤال کرد: پدر و مادرم به فدایت آن سه تن کیانند؟ جواب داد: «مقداد و سلمان و ابوذر رضوان الله علیهم» مجمع الزوائد، 117 / 9.
- و از ابن عباس روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از هیچ آسمانی نگذشتم جز آنکه اهل آن را در آرزوی دیدار علی بن ابی طالب یافتم. و هیچ پیامبری در بهشت نیست جز آنکه مشتاق علی بن ابی طالب است.» جواهر المطالب، 1 / 257.

[27] (1). الفردوس، 2 / 132 / 2674؛ تاریخ دمشق (ترجمة الامام على عليه السلام)، 271: 2 / 797. نیز نک: مناقب ابن مغزلی، 47 / 70.

عمّار بن یاسر و ابو ایوب انصاری گفته‌اند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «حق علی بر مسلمانان همان حق پدر است بر فرزند.» جواهر المطالب، 91: 1؛ الرياض النضرة، 117: 2.

[28] (1). الفردوس، 142 / 2722؛ تنزیه الشریعه، 355: 1؛ الفوائد المجموعه، 367.

[29] (1). الفردوس، 142: 2 / 2723.

[30] (1). الفردوس، 142: 2 / 2725.

[31] (1). المناقب خوارزمی، 68 / 41. این حدیث را ابن مردویه طبق آنچه شهاب الدین ایجی شافعی در توضیح الدلائل 178 آورده، نقل نموده است.

و نیز محب الدین طبری در ذخائر العقبی، ص 72 از عائشه نقل می‌کند که چون رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله نزدیک شد فرمود: «حبیب مرا به نزد بیاورید.» ابوبکر را حاضر کردند حضرت به او نگریست دوباره سر خود را بر بالین نهاد، و بار دیگر همان را تکرار فرمود. عمر را فرا خواندند. همین که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را مشاهده کرده سر بر زمین نهاد و باز فرمود: حبیب مرا بگویند بیاید. علی را دعوت کردند. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله او را دید همراه با خود او را داخل پارچه‌ای کرد که رویش انداخته بودند، همچنان او را در آغوش داشت تا جان به جان آفرین تسلیم کرد.

و نیز این حدیث در تاریخ دمشق (ترجمة الامام على عليه السلام) 3 / 17 / 1036؛ جواهر المطالب، 1 / 175 نقل شده است.

از عبدالله بن عمر روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله هنگام بیماریش فرمود: «برادرم را نزد من فرا خوانید.» ابوبکر را گفتند، حضرت از او روی برگرداند آن‌گاه فرمود: «بگویند برادرم بیاید.» عمر را گفتند آمد. رسول خدا صلی الله علیه و آله از او نیز روی گردانیده آن‌گاه فرمود: «برادرم را بگویند بیاید.» عثمان را گفتند آمد پس حضرت از او نیز روی برگرداند. پس علی را فراخواندند پیامبر پارچه‌ای رویش بود برداشت و علی را در زیر آن پارچه داخل نمود، هنگامی که علی از حضور پیامبر خارج شد. از ایشان سؤال شد رسول خدا چه چیزی در زیر پارچه به تو فرمود؟ گفتند: رسول خدا مرا هزار باب آموخت که از هر بابی هزار باب گشوده می‌شود.

مسند ابی یعلی موصلی؛ سیر اعلام النبلاء، 22: 8؛ تاریخ دمشق (ترجمة الامام على عليه السلام) 483: 2 / 1012؛ کفایة الطالب، 133.

- [32] (1). الاصابة في تمييز الصحابة، ابن حجر عسقلاني (چاپ قاهره، 1328 هـ، ط 1) 403: 4، ترجمه لیلی الغفاریه. و نیز ابن اثیر جزری در اسد الغابة (چاپ بیروت، دار احیاء التراث العربی) 547: 5.
- [33] (1) الفردوس، 61: 3 / 4172، و 358: 2 / 3599؛ انساب الاشراف بلاذری، 182: 2 و در ذیل صفحه از تاریخ دمشق، 41: 38 / 851.
- از جابر بن عبدالله روایت شده ما در خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشستیم بودیم که علی از روبرو به سوی ما آمد، هنگامی که چشم پیامبر صلی الله علیه و آله به او افتاد فرمود: «قسم به آن کسی که جانم در دست قدرت اوست این و شیعیانش روز رستاخیز پیروزمند و رستگارند.» و آیه 98 سوره بینه نازل شد (کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آنان بهترین مردم هستند). مجمع الزوائد، 131: 9.
- و گنجی با اسناد خود از ابو سعید خدری روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی نگاه کرد و فرمود: «این و پیروانش رستگاران روز رستاخیز هستند.» در ادامه می‌فرماید: من این حدیث را از گروه بسیار و طرق گوناگون شنیدم. کفایة الطالب، 175.
- و مناوی این حدیث را این گونه نقل کرده است: «شیعیان علی رستگارند.» کنوز الحقائق، 2515: 17 / 1.
- [34] (1). الفردوس، 403: 2 / ح 3793.
- [35] (1) الفردوس، 421: 2 / 3866؛ جمع الجوامع / 11083؛ فیض القدير، 5148 از ابن عباس و 5149 همان؛ الدر المنثور، 262: 3؛ تفسیر القرطبی، 306: 15؛ کنز العمال / 32897 و 32989، المناقب خوارزمی، 307 / 310؛ تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه السلام)، 282: 2 / 812؛ الجامع الصغير، 115: 2 / 5148؛ الصواعق المحرقة، ابن حجر، 125.
- نیز رجوع فرمایید به: الدر المنثور، 154: 6؛ فتح القدير، 151: 4؛ تفسیر روح المعانی، 114: 27 در تفسیر آیه: «و السابقون السابقون» و فضائل اثرا بن حنبل، 131 و 170.
- [36] (1). جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابی طالب علیه السلام: 1، 181.
- [37] (1). الفردوس، 61: 3 / 4171.
- مسند احمد، 4، ص 165؛ سنن الترمذی / 3719؛ سنن ابن ماجه / 119؛ المعجم الكبير، 19: 4 و 20؛ خصائص نسایی، 90 / 166.

نیز رجوع فرمایید به: ارحح المطالب، 548، و ابن اثیر در اسد الغابة، ج 4، ص 27 حدیث را این گونه روایت کرده است: «همانا علی از من است و من از علی و اوست سرپرست هر مؤمنی و پس از من»؛ کنز العمال، 612: 11/32961.

[38] (1). الفردوس، 62: 3/4173؛ المعجم الكبير طبرانی، ج 2، ح 2035؛ الجامع الصغير سیوطی، ح 5597.

ابن عبدالبر در استیعاب (چاپ شده در حاشیة الاصابه) در ترجمه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ج 3، ص 35 می نویسد: این کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله که به علی فرمود: تو نسبت به من همچون موسی علیه السلام هستی به هارون (پیامبر) جمعی از یاران رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده اند و این از حیث سند از جمله بهترین آثار ثبت شده و صحیح ترین آنها ست.

خوارزمی در کتاب مقتل الحسین علیه السلام، ج 1، ص 48 گفته است: این حدیث را جماعتی از صحابیان روایت کرده اند که عبارتند از: علی، عمر، عامر بن سعد، سعد بن ابی وقاص، ام سلمه، ابو سعید، ابن عباس، جابر، ابوهریره، جابر بن سمره، جشی بن جناده، انس، مالک بن جویرث، ابویوب، یزید بن ابی اوفی، ابو رافع، زید بن ارقم، براء، عبدالله بن ابی اوفی، معاویه بن ابی سفیان، ابن عمر، بریده بن حصیب، خالد بن عرفطه، حذیفه بن اسید، ابوالطفیل، اسماء بنت عمیس، فاطمه دخت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فاطمه دخت حمزة بن عبدالمطلب.

گنجی شافعی در کفایة الطالب (باب 70، ص 283) می نویسد: حاکم نیشابوری گفته است: این حدیث در حد تواتر است.

حاکم حسکانی در شواهد التنزیل، ج 1، ص 152 می نویسد: این همان حدیث منزلت است که شیخ ما ابو حازم درباره آن می گوید: آن را با پنج هزار سند تخریج نموده ام.

سیوطی در الدر المنثور، 3/266؛ ابن عساکر در تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه السلام)، 307: 1/336 و ابن حجر در الاصابه (2/905) از سعد بن ابی وقاص نقل کرده اند: علی بن ابی طالب همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله از مدینه بیرون رفت وقتی به حجة الوداع رسید و پیامبر عازم تبوک بود گریست و به پیامبر چنین گفت: «مرا میان زنان و اطفال نهاده و خود به تبوک می روید.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا راضی نیستی موقعیتت نسبت به من همچون موقعیت هارون به موسی باشد جز در نبوت؟!»

نیز رجوع شود به کنز العمال، 13/171/36517؛ مجمع الزوائد، 9/110.

[39] (1). الفردوس، 62: 3/ 4174؛ فیض القدير / 5596؛ زهر الفردوس، 316: 2 به گونه مسند؛ مناقب خوارزمی، 167/ 144 و 174/ 148، و ابن مغازلی در المناقب، 135/ 92 از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «علی نسبت به من همچون سر است به بدنم.» و با سند دیگری به شماره 136 از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که حضرت فرمود: «علی نسبت به من مانند سرم است به تنم.»

نیز مراجعه شود به: الجامع الصغير سیوطی، 2، ص 177/ 5596؛ کنز العمال، 603: 1/ 32914. [40] (1). الفردوس: 63/ 4178؛ فیض القدير، 5599؛ زهر الفردوس، 315: 2؛ الجامع الصغير سیوطی، ح 5599.

[41] (1). الفردوس، 64: 3/ 4179؛ فیض القدير، 5592؛ کنز العمال / 32910؛ زهر الفردوس، 315: 2 به نقل از ابن عمر. الجامع الصغير، 96: 2.

[42] (1). الفردوس، 64: 3/ 4180. نیز مراجعه شود به طبقات الحنابلة، 32: 1؛ تاریخ دمشق) ترجمة الامام علی علیه السلام) 253: 2/ 775.

دار قطنی در العلل الواردة (273: 6/ 1132) از ابوذر روایت کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «علی تقسیم گر آتش دوزخ است، دوستانش را به بهشت و دشمنانش را به دوزخ می افکند.»

در طبقات الحنابلة (320: 1/ 448) محمد بن منظور طوسی می گوید: نزد احمد بن حنبل بودیم که مردی به وی گفت: ای اباعبدالله! چه گویی درباره این حدیثی که علی گفته است: «من تقسیم کننده آتش دوزخم.»

احمد گفت: چه انکاری در این حدیث دارید؟ مگر برای ما از پیامبر روایت نشده که به علی فرمود: «جز مؤمن تو را دوست نمی دارد، و جز منافق تو را دشمن نمی دارد؟» گفتم: [چرا]. گفت: [جای مؤمن کجاست؟ گفتیم: بهشت. گفت: [جای منافق در کجاست؟ پاسخ دادیم، در آتش. گفت بنابراین علی تقسیم گر آتش دوزخ است.

[43] (1). کنز العمال، 639: 12/ 37613 به نقل از مستدرک حاکم و صواعق و ذخائر العقبی و غیر آن.

[44] (1). اسد الغابة، 30: 4. در آن آمده است این حدیث را بیش از یک راوی از انس روایت کرده اند. البداية و النهاية، 354: 7 و 388؛ العلل المتناهیة، 323: 1/ 367 و 373/ 234 و 375 و 376/ 236 و 377؛ تاریخ دمشق، 2/ 639/ 131 و در موارد متعدد دیگر این کتاب این حدیث نقل شده است.

خوارزمی در مقتل الحسین علیه السلام، ص 46 می نویسد: حافظ ابن مردویه این حدیث را با صد و بیست سند روایت کرد:

و ابو عبدالله حافظ گوید: حدیث طبر را اگر چه مسلم و بخاری در کتاب خود نیاورده اند صحیح است اگر خواهان اطلاعات گسترده تر در این زمینه هستید به کتاب العقبات مراجعه فرمایید.

[45] (1). المعجم الصغير، طبرانی، 88: 2، و در کنز العمال (619: 11/3309) آمده: رسول خدا

صلی الله علیه و آله به علی فرمود: «مرحبا به آقای مسلمانان، و امام پروا پیشگان.»

ابو نعیم اصفهانی در کتاب حلیة الاولیاء (63: 1) از انس نقل روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «انس! آب جهت وضو ساختن برایم بیاور.» آن گاه برخاست و دو رکعت نماز گزارد سپس فرمود: «ای انس! نخستین کسی که از این در در آید، امیر مؤمنان و آقای مسلمانان و پیشوای سفید رویان درخشان چهره و خاتم وصیان است.»

انس گفت: «عرضه داشتم: خدایا! مردی از انصار باشد؛ و این خواسته را از رسول خدا صلی الله علیه و آله پوشیده داشتم.» آن گاه علی آمد. پیامبر سؤال کرد: «انس! کیست؟» گفتم: «علی.» پیامبر با شادمانی برخاست و او را در آغوش گرفت، سپس بنا کرد عرق چهره اش را به صورت علی مالید و عرق چهره علی را به رخسار خود می مالید.

علی گفت: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! کاری کردید که پیش از این با من نمی کردید؟!»

حضرت فرمود: «چرا نکنم در حالی که تو آنچه بر من است ادا خواهی کرد و آوای مرا به ایشان می رسانی و آنچه را که بعد از من در آن اختلاف کنند، حق را برای آنان بیان می کنی.»

ابن عساکر در تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه السلام)، 486: 2/1014 و در مستدرک 127:

3 چنین ثبت شده است به من سه چیز درباره علی وحی شده است: او سید مسلمانان و ... است.

حاکم می نویسد: این حدیث دارای اسناد صحیحی می باشد ولی مسلم و بخاری آن را نیاورده اند.

[46] (1). الفردوس، 3/4284 از عمر. و سیوطی در اللالی برای آن طریق دیگری ذکر کرده

است (یعنی غیر از طریقی که تضعیف کرده اند. گرچه تضعیفشان هم چون به دلیل آن است که راوی از محبان اهل بیت علیهم السلام بوده، این تضعیف بی وجه است. و آن را طبرانی از ابن موسی نقل کرده که او گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من و علی و فاطمه و حسن و حسین در قیامت در قبه ای تحت عرش قرار داریم. و این طریق هم بدون اشکال نیست و مؤید طریق دیگر خواهد شد.»

[47] (1). الفردوس، 227: 3/4666. و ابو نعیم در الحلیة، 6465: 1 آن را تخریح کرده؛ الجامع

الکبیر، 550: 2.

[48] (1). الفردوس، 230: 3/ 4678؛ مناقب سيدنا علی، 38؛ مجمع الزوائد، 9/ 134. همچنين رجوع شود به المناقب خوارزمی، 176/ 214؛ توضیح الدلائل: 209؛ المستدرک علی الصحیحین، 124: 3؛ کنز العمال، 603: 11/ 32912؛ الجامع الصغیر، ح 5594؛ مجمع الزوائد، 134: 9 باب؛ الحق مع علی علیه السلام.

[49] (1). الفردوس، 65: 3/ 418؛ زهر الفردوس، 317 316: 2، به صورت مسند؛ کنز العمال، 212: 12 و 156: 6؛ القول الجلی ح 38 و غیر آنها. و مانند آن چیزی است که روایت کرده‌اند در المستدرک، 36؛ کنوز الحقائق، ص 188؛ حلیة الاولیاء، 63: 1.

[50] (1). الفردوس، 283: 3/ 4851. نیز نک: مناقب سيدنا علی، 21؛ ینایع المودة، 118؛ المناقب خوارزمی، 145/ 170؛ تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه السلام)، 151: 1/ 186؛ کفایة الطالب، 315، ب 87؛ المناقب، ابن مغزلی، 130 132/ 78.

[51] (1). الفردوس، 354: 3/ 5066.

[52] (1). الفردوس، 363: 3/ 5100؛ کنز العمال، 32993؛ المناقب خوارزمی، 131/ 146. و نزدیک به آن را در تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه السلام)، 364: 2/ 87 نقل کرده است؛ ذخائر العقبی، 100.

[53] (1). الفردوس، 364: 3/ 5103؛ تنزیه الشریعة، 1، ص 398؛ المناقب خوارزمی، 67/ 40.

[54] (1). الدر المنثور، 209: 3 و 210 همان؛ کنز العمال، 422: 2؛ فتح القدير، 334: 2؛ فضائل الصحابة از احمد بن حنبل، 562: 2، ح 964.

[55] (1). الفردوس، 429: 1/ 1751؛ امالی شجرى، 134: 1؛ کنز العمال، 32953. و آن را هیثمی در مجمع الزوائد، 108: 9 نقل کرده است.

[56] (1). الفردوس، 373: 3/ 5130.

ابن مردویه با اسناد خود از امّ ایمن نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه وآله صبحگاه عروسی فاطمه و علی به او فرمود: «ای ام ایمن، برادرم را بگو بیاید.» ام ایمن گفت: مرادتان کیست؟ فرمود: «علی.» امّ ایمن باتعجب پرسید: چگونه علی برادر تو است در حالی که دخترت را به عقد او در آورده‌ای؟!

حضرت فرمود: «اینچنین است به خدا قسم فاطمه را به ازدواج هم شأنی در آوردم که در این سرا و سرای دیگر شرافتمند است.»

مناقب ابن مردویه، 101/ 104. و نزدیک به آن را در المستدرک علی الصحیحین، 159: 3 می‌توان دید.

[57] (1). الفردوس، 3:373 / 5135.

[58] (1). مجمع الزوائد هيثمی، 12: 9؛ لسان الميزان، 414: 2. نیز رجوع شود به المناقب ابن مغزلی، 93/ 65. او به اسناد خود نقل می‌کند که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «ای علی! تو آقای مسلمانان، پیشوای پروا پیشگان و رهبر نامدار و سپیدان و خسرو دینی.» تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه‌السلام) ح 119 و آنچه پیرامون حدیث نقل کرده‌اند.

[59] (1). الفردوس، 3:455 / 5406؛ المستدرک علی الصحیحین، 3: 194.

[60] (1). الفردوس، 508: 3 / 5579 و 321: 5 / 8316. از جابر و او از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت کرده که حضرت فرمود: «ای علی! چنانکه اتمم با تو دشمنی ورزید، خداوند آنان را با نوک بینی‌شان در آتش می‌اندازد.» تنزیه الشریعه: 360. اللآلی المصنوعة، 1/ 190.

و در کتاب الفردوس، 330: 5 / 8339 و زهر الفردوس، 312: 4 به صورت مسند از بهز بن حکیم از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده که فرمود: «ای علی! باکی ندارم هر کس با دشمنی تو دنیا را ترک گوید، یهودی بمیرد یا نصرانی.» این حدیث را ابن مغزلی در المناقب ((74 / 50)) از معاویة بن حیده نقل کرده است.

و از ابن هارون نقل شده که گفت: با ابن عمر در جایی نشسته بودیم که نافع بن ارزق به ما نزدیک شد و بالای سر ابن عمر ایستاد و سوگند یاد کرد و گفت: به خدا سوگند که بغض علی را در دل نهفته دارم. روای گوید: ابن عمر سر بلند کرد و گفت: خدایت دشمن بدارد، بغض شخصیتی را در دل می‌گیری که یکی از سوابقش از دنیا و هر چه در آن است برتر و بهتر است.

المصنف، ابن ابی شیبة، 160: 6؛ شواهد التنزیل، 20: 1 / 12.

[61] (1). الفردوس، 542: 3 / 5689؛ فیض القدر، 8736؛ مسند احمد بن حنبل، 323: 5؛ المستدرک علی الصحیحین، 130: 3؛ مجمع الزوائد، 130: 9؛ الجامع الصغیر، ح 8736؛ خوارزمی در کتاب المناقب (154 / 136) از سعید بن جبیر نقل کرده که گفت: ابن عباس مطلع شد جمعی به بدگویی علی علیه‌السلام مشغولند. به فرزند خود (علی بن عبدالله) گفت: «دستم را بگیر و مرا به مجمع آنها ببر.» فرزندش اطاعت کرد. وقتی به آنها رسید گفت: «کدام یک از شما داشت به خدا ناسزا می‌گفت؟» همه با تعجب گفتند: «سبحان الله! کسی که به خدا ناسزا بگوید مشرک است.» پس پرسید: «کدام فرد از شما داشت به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله ناسزا می‌گفت؟» باز گفتند: «این چه حرفی است هر کس رسول ناسزا بگوید کفر ورزیده است.»

پس از آن گفت: «کدام یک شما علی را دشنام می‌داد؟»

گفتند: «این را گفتیم.»

ابن عباس به آنان گفت: گواه باشید از رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم فرمود: «هر کس علی را ناسزا گوید به من دشنام داده و هر کس مرا دشنام دهد به خدا ناسزا گفته و هر کس به خدا ناسزا بگوید خدا وی را با صورت در آتش سرنگون خواهد فرمود.» این مطلب را محب الدین طبری در الرياض النضرة، 122: 3، و متقی هندی در کنز العمال 602: 11/ 32903 نقل نموده‌اند.

[62] (1). الفردوس، 123: 4/ 6380 و 257: 2/ 3195؛ کنز العمال / 36435؛ توضیح الدلائل، 208؛ حلیة الاولیاء، 251: 7؛ تاریخ بغداد، 387/ 7.

ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که حضرت فرمود: «شبی که به معراج برده شدم، مشاهده کردم بر سر در بهشت نگاشته شده: خدایی جز خدای یگانه نیست، محمد فرستاده پروردگارت و علی حبیب او و حسن و حسین برگزیده‌اش، و فاطمه، منتخبش، و لعنت حق تبار دشمنانشان.»

تاریخ بغداد، 209: 1؛ تهذیب تاریخ دمشق، 322: 4؛ المناقب خوارزمی، 297/ 302؛ و در مجمع الزوائد، 9/ 11 چنین آمده است: خدایی جز خدای یکتا نیست، محمد فرستاده خدا و علی برادر پیامبر است دو هزار سال قبل از آفریدن آفرینش.

[63] (1). الفردوس، 134: 4/ 6417.

[64] (1). الفردوس، 294: 4/ 6865 و 6866؛ النهایة ابن اثیر 77: 5 (مادة: نظر). ابن اثیر در این کتاب حدیث را چنین ترجمه کرده است: هر گاه علی در جمع مردم ظاهر می‌شد مردم شگفت‌زده می‌گفتند لا اله الا الله، چه رخسار نیکو و نورانی دارد. و لا اله الا الله چقدر این جوان مرد دانا است، لا اله الا الله چه مقدار این جوان مرد گرامی و بزرگووار است. یعنی چقدر پروا پیشه است، لا اله الا الله چقدر این جوان مرد دلاور است، از این رو این دیدار مردم را به زبان راندن کلمه توحید وا می‌داشت.

نیز رجوع کنید به حلیة الاولیاء، 183/ 26 و 85: 5؛ مجمع الزوائد، 119: 9؛ تاریخ بغداد، 51: 2 از ابوهریره نقل کرده گفت: دیدم معاذ بن جبل نگاه کردن به رخسار علی بن ابی‌طالب را ادامه می‌دهد، در یکی از اوقات به او گفتم: سبب چیست نگاهت را به سیمای علی طولانی می‌کنی و چنان نگاهش می‌کنی که گویی تا به حال او را ندیده‌ای؟ او حدیث یاد شده را خواند.

این حدیث را ابن مردویه طبق نقل سیوطی که در اللآلی المصنوعة، 345: 1 آورده، روایت کرده است و حاکم در المستدرک، 141: 3 و خوارزمی در المناقب، 673 375/ 361؛ و ابن مغزلی در

المناقب: 254 / 211 و 245 / 206 و سیوطی در تاریخ الخلفاء، 172 و ابن حجر در الاصابة 4: 403 در ترجمه لیلی غفاریه، و ابو نعیم اصفهانی در الحلیة، 2: 182 و ابن کثیر در البداية و النهاية، 7: 358؛ الصواعق، 108 این روایت را کرده که بسیاری از صحابیان نقل کرده‌اند که برخی از آنها سند نقل را به 12 تن از صحابه منتهی کرده‌اند. مجمع الزوائد، 9: 119؛ باب نگاه افکندن به سیمای علی. در این کتاب مؤلف از طلیق بن محمد روایت کرده که گفت: عمران بن حصین را دیدم دقیق به سیمای علی می‌نگرد در این خصوص از او سؤال شد. گفت: از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله شنیدم که فرمود: «نظر به رخسار علی عبادت است.»

[65] (1). الفردوس، 4: 343؛ 6993 / 4؛ کنز العمال، 34293؛ زهر الفردوس، 134: 4.

[66] (1). جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابی طالب علیه‌السلام از باعونی شافعی، 88: 1؛ اخبار اصبهان، از ابو نعیم اصفهانی، 1: 341؛ حدیث را ابو الخیر طالقانی در باب 26، ح 33 از کتابش الأربعین المنتقی که در مجله وزین تراثنا، ش 1، ص 119 منتشر شده، آورده است. ابن مغزلی در المناقب، 153 / 119 از ابن عباس روایت کرده که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «در روز رستاخیز علی علیه‌السلام مشرف بر حوض کوثر ایستاده است. احدی به بهشت در نیاید جز آنکه پروانه‌ای از علی بن ابی طالب با او باشد.» نیز این مطلب را از انس در حدیث، 289 ص 242 نقل کرده است.

برای این حدیث منابع فراوانی وجود دارد که آنها را در فرائد السمطين، 289: 1 / 228؛ غایة المرام، 262؛ الرياض النضرة، 2: 122؛ ذخائر العقبی، ص 71، می‌توان دید.

[67] (1). الفردوس، 315: 5 / 8299.

ابن عساکر از حبه بن جوین عربی نقل کرده، که گفت: شنیدم علی بن ابی طالب می‌گوید: نخستین کس هستم که به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله گروید یا با او نماز گزارد تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه‌السلام) 1 / 58 / 85. و مفاد حدیث یاد شده به تواتر ثابت است.

[68] (1). کنز العمال، ج 13، از طبرانی از مسند رافع بن خدیج، ح 36449.

[69] (1). تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه‌السلام) 259: 2 / 784.

از سالم غلام حدیفة نقل است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله امر کرد تا به علی بن ابی طالب این گونه سلام دهیم. «یا امیر المؤمنین و رحمة الله و برکاته». مناقب سیدنا علی از عینی، چاپ هند، حیدرآباد، 1352 هـ 18. و در صفحه 61 آن از انس نقل روایت شده که انس گفت: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «ای انس! اولین شخصی که از این در بر تو درآید امیر مؤمنان و آقا و سرور مسلمانان و خاتم وصیین است.»

این مطلب را ابن عساکر در تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه السلام)، 2، ص 783 / 259 در ضمن حدیثی از انس چنین نقل کرده: «ای انس! نخستین کسی که از این در درآید امیر مؤمنان و پیشوای نامی روسپیدان، و سرور مؤمنان علی است.»

نیز رجوع کنید به المناقب خوارزمی، 322 / 329.

تفتازانی در شرح المقاصد (5: 259) المبحث الرابع من الفصل الرابع این گونه آورده: قول پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: «سَلِّمُوا عَلِيَهُ (یعنی بر علی) بامرة المؤمنین.»

[70] (1). الفردوس، 316: 5 / 8304؛ كشف الخفاء، 537: 2.

[71] (1). الفردوس، 317: 5 / 8305؛ مجمع الزوائد، 135: 9؛ المعجم الصغير / 1014 و طبرانی در المعجم الاوسط (71: 6 / 5149) از عبدالله بن اجارة بن قیس نقل کرده که گفت: شنیدم علی بر فراز منبر می گفت: «با داستان کوتاه خویش کفار و منافقان را از حوض رسول خدا صلی الله علیه و آله دور می سازم آنسان که آب دهندگان شتر (ساربانان)، شترهای بیگانه را از حوض هایشان دور می کنند.»

و در المعجم الكبير (319: 1 / 948) از ابو رافع نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «تو و پیروانت بر من در کنار حوض کوثر وارد می شوید در حالی که از آب حوض سیراب گشته اید و رخسارتان سفیداست. اما دشمنانت با چهره ای کریه و قبیح المنظر و لب تشنه بر من وارد خواهند شد.»

و در المعجم الكبير: 319 / 948 از ابو رافع نقل شده که نبی مکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «تو و پیروانت در حالی بر من در کنار حوض در آید که از آب بهره ور شده و سیراب گشته اید و رویتان سپید است. اما دشمنانت در حالی بر من وارد آیند که تشنه کام و سیمایشان زشت و بدمنظر است.»

نیز رجوع شود به: مجمع الزوائد، 131: 9 / 8310؛ كنز العمال، 157: 13 / 3684؛ تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه السلام)، ج 1، ح 329؛ جواهر المطالب از باعونی، 75: 1 / 233.

[72] (1). الفردوس، 319: 5 / 8310؛ تنزیه الشریعة، 1، ص 411.

[73] (1). مقتل الحسين علیه السلام خوارزمی، 97: 1؛ فضائل امیر المؤمنین علیه السلام، ابن عقده،

32 / 28 خوارزمی مانند آن را از عمر بن خطاب نقل کرده است. (المناقب، 329 / 348).

[74] (1). مناقب ابن مردویه، 81 / 66؛ الأبناء المستطابة از ابن سید الكل: 64؛ التدوین فی اخبار

قزوین، از رافعی، 389: 3.

و از حسین بن علی علیهما السلام نقل است که پدرم (علی بن ابی طالب) در حالی که با دست، یک تار موی او را گرفته بود، این حدیث را برایم ذکر کرد که جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که با دست یک تار موی او را گرفت فرمود: «هر کس به یک تار مویت آزار رساند، مرا آزرده است. هر کس مرا آزرده باشد، در حقیقت خدا را آزرده، و هر کس خدا را آزار دهد خدا به حجم زمین و آسمان به او لعنت فرستد.» توضیح الدلائل، شهاب الدین ایجی، 193.

[75] (1). مجمع الزوائد، 114:9 باب فتح بابه فی المسجد.

گفتنی است که حدیث فتح باب و سدّ ابواب، حدیثی مشهور و ثابت است.

[76] (1) المعجم الکبیر طبرانی، ج 2، ح 2036؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) ج 1، ح 209؛ جواهر المطالب، 1، 182.

از انس نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله مکتوب برائت از مشرکان مکه را در اختیار ابوبکر گذاشت و او را به طرف مکه اعزام کرد. چندی بعد او را باز خواند و فرمود: «شایسته نیست این نامه را برساند مگر مردی از وابستگان نزدیک من.» آن گاه علی را فرا خواند و نامه یاد شده را به او سپرد تا به مکه ببرد.

الدر المنتور، 209:3؛ فتح القدير 334:2. و نزدیک به این مضمون در کنز العمال، 422:2 و از ابن عباس نقل شد، که گفت: «علی حامل علم رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ بدر و کلیه نبردها بود.»

جواهر المطالب، 189:1. نیز نک: الطبقات ابن سعد، 14:3.

و از ابن عباس نقل است که گفت: دست علی در نبرد احد، آسیب دید و پرچم از دستش به زمین افتاد. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «بیرق را در دست چپ او بگذارید زیرا او در هر دو جهان پرچمدار من است.»

الریاض النضره، 138:2؛ جواهر المطالب، 190:1.

[77] (1). المعجم الکبیر طبرانی، ج 2، ح 2037.

و نیز از عمّار نقل است که گفت: من و علی بن ابی طالب در غزوة ذی العشیره با یکدیگر رفیق و همسنگر بودیم، رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا با دو تن از بدبختترین مردم شما را آشنا سازم؟»

گفتم: «آری.» فرمود: «(مردک سرخ روی) کودن قوم ثمود همان که ناقه صالح را پی کرد. و ای علی! دوومی کسی است که ضربتی بر فرق سر تو می زند که تا محاسنت به خون، رنگین می شود.»

الجامع الكبير، 255: 16 / 7864؛ كنز العمال، 140: 13 / 36442، مجمع الزوائد، 136: 9 به نقل از ابن سمرة.

نيز مراجعه شود: به المناقب خوارزمي 402 / 387؛ البداية و النهاية، 7، ص 324؛ تاريخ دمشق (ترجمة الامام على عليه السلام)، 351: 2 / 1401.

[78] (1). حلية الاولياء، 71: 1؛ تاريخ دمشق (ترجمة الامام على عليه السلام) 212: 2 / 715؛

مناقب امير المؤمنين على عليه السلام، 148 / 105 و دراسد الغابة 13: 4 مانند آن ثبت شده است.

و نزديك به اين مضمون در الفردوس، 319: 5 / 8311 و جمع الجوامع، 968: 1 آمده است.

طبرانی در المعجم الاوسط (90: 89 / 3 / 2178) از عمّار بن ياسر نقل کرده که گفت: از پیامبر اکرم

صلی الله عليه وآله شنیدم که علی عليه السلام فرمود: «خداوند متعال تو را به زیوری آراسته است که

هیچ یک از بندگان را به زیوری مانند آن، نیاراسته. خداوند متعال دوستی بینوایان و در کنار آنان

بودن را مورد علاقه تو قرار داده و تو را به پیشوایی آنان برگزیده که تو به آنان خشنودی و برایت

پیروانی در نظر گرفته که آنان به پیشوایی تو خرسندند. پس خوشا بر آنان که تو را دوست بدارند

و تو را می‌پذیرند و وای بر آنهایی که با تو دشمنی ورزند.»

و خوارزمی در المناقب (117 / 128) از عمر بن عبد العزيز نقل کرده که گفت: «بعد از رسول خدا

صلی الله عليه وآله در میان امت آن حضرت کسی را زاهدتر از علی بن ابی طالب سراغ نداریم.»

نیز نک: تاريخ دمشق (ترجمة الامام على عليه السلام) 252: 3 / 1269.

و در خصوص مصادیق زهد ایشان نک: همان کتاب، 239: 3 / 256 و 232 / 142 و 230 /

1238 و سایر کتاب‌ها.

[79] (1). المعجم الأوسط الطبرانی، 1 / 152 / 162؛ كنوز الحقائق، 2، ص 17.

[80] (1). مناقب خوارزمي، 53 / 18؛ تاريخ دمشق (ترجمة الامام على عليه السلام)، 81: 21 /

114. و در کتاب مناقب آل ابی طالب، 1 / 291 از ابوذر نقل شده که رسول خدا صلی الله عليه وآله

فرمود:

« فرشتگان الهی هفت سال بود که بر من و علی درود نثار می‌کردند قبل از آن که فردی به اسلام

گرویده باشد.» و از ابن عباس نقل شده که رسول اکرم صلی الله عليه وآله فرمود: «اولین مردی که

با من نماز گزارد علی بود.»

الفردوس، 27: 1 / 39؛ كنز العمال، 3992؛ الخصائص نسائي، 16.

و در کتاب اسد الغابة، 18: 4 از ابو ایوب انصاری نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در حقیقت ملائکه هفت سال بر من و علی درود و صلوات فرستادند زیرا که از مردان جز او همراه من کسی نماز نگزارده بود.»

[تعبیر «رجل» در روایت قابل تأمل است گویا از ابتدای اسلام علی تا زمانی که بر او اطلاق رجل شده یعنی پانزده سالگی، غیر از او احدی مسلمان نشده است. نیز نک: شرح سنن ابن ماجه، ج 1، ص 75 و 258.]

[81] (1). ترمذی درسندن، 636: 5/ 7320 از ابن عمر روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله میان اصحابش پیمان برادری بست (علی در این موقع تنها ماند) در این لحظه با دیدگان اشک آلود حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت: «یا نبی الله! بین ملازمان و همراهاتان پیوند اخوت ایجاد کردی ولی میان من و کسی پیوند برادری برقرار نفرمودی.» حضرت فرمود: «تو برادر من در این جهان و سرای دیگر هستی.»

حاکم در مستدرک، 14: 3 و سیوطی در الجامع الصغیر، ح 5589. و در کتاب مناقب سیدنا علی علیه السلام از زید بن ارقم نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به علی علیه السلام فرمود: «تو برادر و رفیق منی.» و در فردوس الاخبار، 15: 3/ 4182 از آن سرور صلی الله علیه و آله نقل است که فرمود: «علی برادر و عموزاده من است.»

ابن عساکر از عباس روایت آورده که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «بهترین برادرانم علی، بهترین عموهام حمزه است.» تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه السلام) 138: 1 و رجوع شود به مجمع الزوائد، 9/ 111 باب منزلته و مؤاخات. گفتنی است که حدیث مؤاخات از احادیث مشهور بین فریقین است. و ایجاد پیوند برادری بیش از یک نوبت انجام شده است.

در حدیث دیگر از مسند زید بن ابی اوفی در باب مؤاخات چنین آمده است: وقتی علی علیه السلام از تأخیر پیوند برادری اش شیکوه کرد، نبی مکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث فرمود [پیمان تو را به عقب نینداختم مگر برای این که تو را برادر خود کنم. تو برادر منی و نسبت به من چون هارون نسبت به موسایی با این فرق که پس از من پیامبری نخواهد بود و تو برادر و وارث من هستی.»

علی گفت: «از تو چه چیزی به ارث می‌برم یا رسول الله؟»

فرمود: «آنچه را پیامبران پیش از من ارث گذاشتند.»

پرسید: «انبیای پیشین چه چیزی به ارث گذاشتند؟»

فرمود: «کتاب خدا و سنت پیامبرانشان و تو با منی در قصرم در بهشت با دخترم فاطمه و تو برادر و رفیق منی.»

این حدیث را احمد در کتاب مناقب علی آورده. کنز العمال، 106: 105: 13 ح 36345.
می‌گوییم: چه قدر شایسته است که دوستدار علی علیه‌السلام به هنگام ذکر احادیث «پیوند برادری» که روایاتش متواتر است به ترنم این اشعار که منسوب به امیر مؤمنان علیه‌السلام است بپردازد. ترجمه اشعار طبق نقل کنز العمال، 112: 13 چنین است:

«رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله برادر و پدر خانم من است و حمزه سید الشهداء عمویم می‌باشد.»
و جعفر طیار که (در بهشت) بامداد و شامگاه همراه فرشتگان پرواز می‌کند برادر من است.
و فاطمه دخت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله همسر و آرام جان من است که گوشتش با گوشت و خونم در آمیخته است.

و نواده‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله (حسنین علیهما السلام) دو فرزند من از فاطمه‌اند، چه کسی از شما را نصیبی همچون نصیب من هست؟
بر تمام شما در ایمان به خدا و پیامبر پیشتازم در حالی که هنوز خرد بودم و به مرز بلوغ جسمی نرسیده بودم.

[82] (1) المواقف فی علم الکلام نوشته ایجی، 409 و در ص 25 آن از نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم آمده است.

و از بریده همان طور که در منابع آتی نیز خواهد آمد نقل است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «برای هر پیامبر، وصی و وارثی بود و علی وصی و وارث من است.»

الفردوس، 336: 3/ 5009؛ تاریخ دمشق (ترجمه الامام علی علیه‌السلام)، 5: 3/ 1021 و 1022؛ مناقب خوارزمی، 74/ 84؛ المناقب ابن مغزلی 238/ 200؛ فتح الباری، 150/ 8.

و در کتاب مناقب سیدنا علی 29 به نقل از ربیعہ آمده که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به علی فرمود: «تو برادر و همراه و وصی منی.» و از سلمان نقل است: عرض کردم: «ای رسول خدا! برای هر پیامبری وصی‌ای بود، وصی شما کیست؟» حضرت جواب مرا نداد. روز بعد که مرا دید فرمود: «یا سلمان!» با عجله خود را به حضرت رساندم و عرض کردم: «بلی.»

حضرت فرمود: «می‌دانی وصی موسی که بود؟»

گفتم: «آری، یوشع بن نون.»

پرسید: «چرا او وصی موسی بود؟»

عرض کردم: «چون در آن روزگار داناترین آنان بود.»

فرمود: «وصی و محل راز من و بهتر فردی که پس از خود می‌گذارم که وعده‌های مرا وفا می‌کند و دین مرا می‌پردازد علی بن ابی طالب است.»

المعجم الكبير: 221/6063؛ مجمع الزوائد، 113:9. و نیز رجوع شود به المناقب خوارزمی، 67/38؛ کنز العمال، 611:13/32956؛ مناقب سیدنا علی، 39.

[83] (1). المعیار و الموازنه اسکافی، 119.

و در تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه السلام) 153:3/1172 از ابو ثابت غلام ابوذر نقل شده که گفت: روزی نزد امّ سلمه رفتم دیدم علی را یاد کرده می‌گریست و می‌گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «علی با حق و حق با علی است و این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در قیامت در کنار حوض بر من وارد آیند.»

از عبدالرحمن بن سعید نقل است که گفت: ما به اتفاق گروهی از مهاجران در حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب بودیم که علی از آنجا گذشت. پیامبر فرمود: «حق با این است.»

این سخن را هیشمی در مجمع الزوائد، 234:7 و ابن عساکر در تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه السلام)، 153:3/1171 نقل کرده‌اند:

و از ابوموسی اشعری نقل است که رسول اعظم صلی الله علیه و آله وسلم به علی علیه السلام فرمود: «تو با حقی و حق با تو است.»

به روایت جناب عینی در مناقب سیدنا علی، 29 و ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه، 18/24. مانند این کلام از عایشه در کتاب مناقب سیدنا علی، 15، نقل شده است.

و در مجمع الزوائد، 134:9 هیشمی از امّ سلمه نقل کرده که او هم‌اره می‌گفت: «علی بر محور حق بود، هر کسی که از او تابعیت نمود، از حق پیروی نمود و کسی که او را رها ساخت، حق را رها کرد. این میثاقی است که پیش از این گرفته شده است.»

نیز نک: الامامة و السياسة از دینوری، 78:1؛ صحیح ترمذی، 133:5/3114؛ المستدرک علی الصحیحین، 124:3؛ مجمع الزوائد، 233:7.

[84] (1). مسند ابی یعلی، 285:1/561؛ تاریخ بغداد، 398:12؛ تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه السلام)، 321:2/831 827؛ فضائل الصحابة ابن حنبل، 2 ص 652/1102.

[85] (1). مسند ابی یعلی، 318:4/4558؛ تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه السلام)، 285:1376/3.

[86] (1). سنن ترمذی، 641: 5/37733؛ مسند احمد بن حنبل، 168: 1/576؛ فضائل الصحابة، 964: 2/1185؛ تاریخ بغداد، 287: 13؛ تاریخ دمشق (ترجمة الامام على عليه السلام)، 95/52 و 96؛ اسد الغابة، 29: 4.

[87] (1). المعجم الاوسط، 348: 2/2191؛ المناقب خوارزمی، 59/77؛ مجمع الزوائد، 10/246.

[88] (1). تاریخ دمشق (ترجمة الامام على عليه السلام)، 204: 2/695.

و از عمران بن حصین نقل است که رسول خدا صلی الله علیه وآله به علی فرمود: «دوستی تو را جز مؤمن بر نمی‌گزینند و جز منافق، دشمنی تو را به دل ندارد.»

المعجم الاوسط طبرانی، 264: 4/4151. و از ام سلمه نقل شده که نبی اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به علی فرمود: «هیچ مؤمنی تو را دشمن نمی‌دارد و منافق هرگز دوستدار تو نخواهد شد.» مسند ابن حنبل، 176: 10/26569؛ سنن ترمذی، 635: 5/3717؛ البداية و النهاية، 355: 7؛ تاریخ دمشق (ترجمة الامام على عليه السلام)، 208: 2/99.

و از ابو سعید خدری نقل شده که گفت: «ما گروه انصار هماره منافقان را به دشمنی آنها نسبت به علی بن ابی طالب می‌شناختیم.»

سنن ترمذی، 635: 5/3717؛ تاریخ دمشق (ترجمة الامام على عليه السلام)، 220: 2/718؛ تاریخ الخلفاء، 202؛ فضائل الصحابة ابن حنبل، 639: 2/1086.

از ابن مسعود نقل است که گفت: شنیدم نبی مکرم صلی الله علیه وآله می‌فرمود: «کسی که گمان کرده است به من و آنچه آورده‌ام ایمان آورده در حالی که با علی دشمنی می‌کند، دروغگو و مؤمن نیست.» تاریخ دمشق (ترجمة الامام على عليه السلام) 210: 2/712.

نیز مراجعه شود به کتب: صحیح مسلم، 86: 1/78؛ صحیح ترمذی، 643: 5/3736؛ سنن ابن ماجه، 42: 1/114؛ مسند ابن حنبل، 84: 1 و 731/204؛ فضائل الصحابة ابن حنبل، 564: 2/948؛ سنن نسائی، 117/8؛ تاریخ بغداد، 255: 2 و 14؛ تاریخ دمشق (ترجمة الامام على عليه السلام)، 191: 2/683، و 63: 1/91.

[89] (1). تاریخ دمشق (ترجمة الامام على عليه السلام)، 225: 2/730.

از محبوب بن ابی الزناد نقل است که گفت: انصار گفتند: ما فرزندان نامشروع را به سبب دشمنی با علی بن ابیطالب داشتند می‌شناختیم. تاریخ دمشق (ترجمة الامام على عليه السلام)، 224: 2/729 و 728؛ و به سند دیگر در ح 737.

و از شافعی نقل است که گفت: شنیدم مالک بن انس گفت: «ما میزانی برای شناخت فرزندان نامشروع جز بغض و دشمنی آنان با علی بن ابی طالب در دست نداشتیم.»

مناقب علی بن ابی طالب، ابن مردویه، 57/76.

و انس گوید: «پس از جنگ خیبر، عادت چنان شده بود که مرد، فرزند خود را به دوش می‌گرفت و سر راه علی می‌ایستاد، چون چشمش به آن حضرت می‌افتاد صورتش را به سوی علی می‌نمود و با انگشت به سوی او اشاره می‌کرد و به فرزند خود می‌گفت: «فرزندم! آیا این مرد که می‌آید دوست داری؟» اگر کودک می‌گفت آری، او را در بر می‌گرفت و می‌بوسید، و اگر می‌گفت: نه، او را بر زمین گذاشته و می‌گفت: برو به (قوم) مادرت پیوند. من فرزندی که علی را دوست ندارد نمی‌خواهم.»

تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه السلام)، 224: 2/837.

[90] (1). المعجم، 88: 3/2749؛ حلیة الاولیاء، 1، ص 63.

زید بن ارقم، گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا شما را راهنمایی کنم بر چیزی که اگر درباره آن پرسش کنید به هلاکت نمی‌افتید؟ همانا ولی شما خدا است و امامتان علی بن ابی طالب، پس بر این خیرخواهی کنید و تصدیقش نمایید که جبرئیل چنین فرمانی برایم آورد.»

شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، 98: 3؛ مناقب ابن مردویه، 147/120.

[91] (1). الدر المنثور 203: 6؛ شواهد التنزیل، 534: 1/568 و در مناقب ابن مردویه 98/99

مردی از ابن عمر تقاضا کرد برایش از علی بن ابی طالب گوید: او گفت: «می‌خواهی موقعیت و منزلتش را نزد نبی اکرم صلی الله علیه و آله بدانی؟ به خانه‌اش بنگر که وسط خانه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله واقع شده است.»

و نسایی در الخصائص، 107/204 از سعد بن عبیده نقل کرده که گفت: مردی نزد ابن عمر آمد و از او درباره علی پرسش کرد. وی در پاسخ گفت: «درباره علی از من سؤال نکن، به خانه‌اش بنگر که نسبت به بیوت پیامبر صلی الله علیه و آله چه موقعیتی دارد.»

[92] (1). حلیة الاولیاء، 86: 1؛ تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه السلام) 95: 2/596؛

کنز العمال، 217/6؛ منتخب کنز العمال (چاپ شده در حاشیه المسند، 945) و غیر آن مثل

فرائد السمطین، کفایة الطالب؛ مسند احمد، مناقب علی علیه السلام و ...

نک: کتاب دیگر ما به نام امان الأمة من الضلال و الاختلاف و در کنز العمال نیز مانند آن از زیاد بن مطرف، 55/6 نقل شده است.

[93] (1). تاریخ بغداد، 1:133 و 8:433؛ تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه السلام)، 366:

873/2؛ خصائص علی علیه السلام از نسایی، 31/85.

[94] (1). شواهد التنزیل، 400:422/1.

نیز رجوع کنید: توضیح الدلائل، 161؛ تفسیر القرآن قرطبی، 9:236.

[95] (1). فضائل الصحابة احمد بن حنبل، 654:1113/2.

و در روایت دیگری فرمود: «سپاس خداوندی را که در بین اهل بیت کسی را قرار داد که به طریقۀ

داود علیه السلام به قضاوت می پردازد.»

مناقب ابن مردویه، 90/92.

نیز رجوع شود: المسند، حمیدی، 345:785/2؛ الجامع الكبير، 636:406/15.

[96] (1). مسند احمد بن حنبل، 446:9704/3؛ المستدرک علی الصحیحین، 161:473/3 و

4714؛ تاریخ بغداد، 137:7؛ المعجم الكبير، 40:2621/3؛ البداية و النهاية، 36:8.

از زید بن ارقم نقل است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیماری ای که به رحلتش منجر

شد با مهربانی رو به سوی علی و فاطمه و حسن و حسین کرد و فرمود: «من در جنگم با کسی که

با شما بجنگد، و صلح با کسی که با شما از در آشتی درآید.» تهذیب تاریخ دمشق، 319.

نیز رجوع فرمایید به: سنن ترمذی، 699:3870/5؛ سنن ابن ماجه: 145/52. از ابو سعید

خدري نقل است که گفت: بعد از ازدواج علی با فاطمه، نبی مکرم صلی الله علیه و آله چهل روز

صبحگاهان به در خانه فاطمه می آمد و می فرمود: «من سرا پا جنگم با هر که با شما بجنگد و سرا

پا دوستم با فردی که با شما دوستی نماید.» فضائل سیده النساء از ابو حفص عمر بن شاهین، 29.

و در کنز العمال از زید بن ارقم نقل است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به فاطمه و علی و حسن

و حسین فرمود:

«من در نبردم با کسی که با شما بستیزد و در صلح و آشتی ام با کسی که با شما در صلح و صفا

باشد.»

متقی هندی این روایت را از شماری از کتاب های عامه نقل کرده است: 640:37618/13.

[97] (1). شواهد التنزیل، 89:202/1.

می گویم: «ایشان نخستین امام از امامان دوازده گانه است و دومین آنها حسن و حسین تا امام

دوازدهم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که زمین را آکنده از عدل و داد خواهد کرد

پس از آن که پر از ظلم و جور شده باشد.

اُمه دوازده گانه همانان هستند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در نصوص معتبره به امامتشان تصریح فرموده برای دریافت اطلاع گسترده به کتاب منتخب الاثر، ج 1، مراجعه فرمایید.»

[98] (1). ینابیع المودة، 333: 2/ 973؛ مقتل الحسين عليه السلام، خوارزمی، 60: 1.

[99] (1). مجمع الزوائد، 102: 9 به نقل از طبرانی.

[100] (1). تاریخ بغداد، 392: 4/ 2280.

[101] (1). تاریخ دمشق (ترجمة الامام على عليه السلام)، 444: 2/ 962 / 963؛ كنز العمال،

625: 11/ 33045؛ و در الفردوس، 62: 3/ 3175 چنین ثبت شده است: «على بهترین انسان

است هر کس در این شک نماید کافر است.»

ابن عساکر از عطاء نقل کرده است که گفت: از عایشه درباره علی علیه السلام پرسیدم، او گفت: «او

بهترین بشر است و در آن شک نمی کند مگر کافر.» در همان منبع (تاریخ دمشق) ترجمة الامام

علی علیه السلام (488: 2/ 972)

نیز مراجعه شود به موضع اوهام الجمع و التفريق، 394: 1.

کنوز الحقائق، به نقل از ابو یعلی: «على بهترین بشر است، کسی که در آن شک نماید کافر است» و

در کفایة الطالب، اثر گنجی شافعی، ص 119 از عطاء نقل است که از عایشه از علی پرسیدم، گفت:

ذلک خیرا للبشر لا یشک فیہ الا کافر (او بهترین بشر است و در آن شک نمی کند مگر کافر).

و محدث بزرگ و امین ابو محمد جعفر بن احمد بن علی قمی ساکن ری کتابی مستقل در این

زمینه دارد به نام (نوادیر الاثر فی علی علیه السلام خیر البشر صلوات الله علیه) و در این کتاب

نزدیک به هفتاد و پنج طریق برای این حدیث نوشته است.

[102] (1). تاریخ بغداد، 81: 2؛ المناقب این مغازلی، 16/ 22؛ الفردوس، 1/ 41 / 93؛ المستدرک

علی الصحیحین، 3/ 147 / 4662؛ تاریخ دمشق (ترجمة الامام على عليه السلام) 82: 1/ 115. و

از عمر نقل شده که گفت من و ابو عبیده و ابوبکر و گروهی از انصار با یکدیگر بودیم که رسول

خدا صلی الله علیه و آله دست بر شانه علی زد و فرمود: «ای علی! تو نخستین گرونده ای که ایمان

آورد و مسلم نخستی که اسلام را برگزید و تو نسبت به من منزلت هارون نسبت به موسی را

داری.»

مراجعه شود به جواهر المطالب اثر باعونی شافعی، 37: 1.

[103] (1). تفسیر ابن کثیر 68: 2؛ كنز العمال، 103: 12/ 34195، و 639: 13/ 37616؛ مقتل

الحسين عليه السلام، خوارزمی، 67/ 141، سیوطی در مسند علی بن ابی طالب علیه السلام، 350:

1. مسند فاطمه سلام الله عليه، 69؛ الجامع الكبير 305: 8070 / 16 حدیث را روایت کرده. المناقب ابن مغزلی، 295 / 247.
- [104] (1). المستدرک، 121: 3. حاکم نیشابوری می‌گوید: «این حدیث، سندش صحیح است و نویسنده کنز العمال از ابوذر چنین نقل کرده که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: هر کس از تو جدا شود، از من جدا شده و هر کس از من جدا شود در حقیقت از خدا جدا شده است.» 156: 60.
- [105] (1). کنز العمال 13، ح 36595 به نقل از ابن جریر. نیز رجوع فرمایید به ح 36493 و 36496.
- می‌گوییم: «این احادیث از روایات متواتر و قطعی الصدور است.»
- [106] (1). شواهد التنزیل، 52: 672 / 2؛ نیز رجوع فرمایید به المناقب ابن مغزلی، 346 / 302؛ المستدرک علی الصحیحین، 188: 4802 / 3؛ المناقب خوارزمی، 32 / 63؛ فضائل الصحابه ابن حنبل، 577: 978 / 2؛ مسند ابن حنبل، 45: 16985 / 6؛ المصنف از ابن ابی شیبیه، 501: 40 / 7. سنن ترمذی، 663: 3787 / 5 و غیر آنها.
- احادیث این باب بسیار و در حد تواتر می‌باشد و در غیر مصادر یاد شده در مجامع روایی و تفاسیر و کتب تاریخی نقل شده است.
- [107] (1). المعجم الكبير، 134: 312 / 24، و 412: 1022 / 22؛ المصنف از عبدالرزاق، 479 / 5 9782.
- [108] (1). ظاهراً متشکل از هفت طایفه بوده‌اند.
- [109] (1). المستدرک علی الصحیحین، 123: 4652 / 3؛ مسند احمد بن حنبل، 708: 3062 / 1؛ خصائص الامام امیر المؤمنین علیه‌السلام، 23 / 70؛ تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 185: 250 / 1.
- [110] (1). صحیح مسلم، 1871: 32 / 4؛ سنن ترمذی، 225: 2999 / 5؛ مسند ابن حنبل، 391: 1608 / 1؛ المستدرک علی الصحیحین، 163: 4719 / 3؛ السنن الكبرى، 101: 13392 / 7؛ الدر المنثور، 233: 2؛ تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه‌السلام)، 207: 271 / 1.
- این حدیث از احادیث متواتر است.
- [111] (1). الحاقه: 12. و گوش‌های شنوا آن را نگهداری می‌کنند.
- [112] (2). حلیة الاولیاء، 67: 1؛ کنز العمال 408: 6 / 616 و مانند آن در تفسیر طبری، 29 / 35. نیز الدر المنثور، در تفسیر آیه 12 الحاقه؛ اسباب النزول واحدی، 329؛ المناقب ابن مغزلی،

ص 265، ح 312 و ص 319، ح 364 و باب النقول، 225. و رجوع شود به کشف و روح المعانی 9: 43، مجمع الزوائد، 131: 1؛ کنز العمال، 398: 6، 408. برای دریافت اطلاع بیشتر نک: شواهد

التنزیل

[113] (1). الصواعق المحرقة، ص 124. و در روایت دیگری که حاکم نیشابوری آن را به شرط شیخین صحیح دانسته مانند این روایت نقل شده است که در آن بعد از آن پیامبر فرموده: «اهل بیتی عترتی» سپس فرمود: «آیا می‌دانید من نسبت به مؤمنان از خود آنها شایسته‌ترم؟» و این سخن را سه بار تکرار کرد

گفتند: «آری.»

فرمود: «هر کس را که من اولای به نفس و مولایم علی مولای او است.» المستدرک، 3/ 109. و آنچه نسایی از زید بن ارقم صحابی نقل کرده این گونه آمده است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «خدا مولا و سرپرست من است و من اولای به نفس و مولای هر مؤمنم.» آن‌گاه دست علی را در دست گرفت و فرمود: «هر کس را که من مولای او بودم این ولی اوست. خداوند کسی که پذیرای ولایت علی شد دوست بدار و با هر که با او خصومت داشت دشمن باش.»

خصائص امیر المؤمنین علیه‌السلام از نسایی، ص 21.

[114] (1). مناقب سیدنا علی علیه‌السلام، 28 به نقل از ابن مردویه. مناقب ابن مردویه، 111/ 129.

[115] (1). اساس البلاغه از زمخسری، 155 و مانندش در ربیع الابرار در باب خیر و صلاح و ذکر اخبار صلحا ثبت شده است و در نظم در السمطین، ص 243 در حدیثی چنین است و امت خود را به جنگ زدن به اهل بیتش سفارش نمود، و توضیح داد که خاندانش دامن پیامبرشان را) در رستاخیز خواهند گرفت و

[116] (1). کنز العمال، ح 36438، ص 139، ح 13 به نقل از طبرانی. و ابن مغزلی در المناقب، 125/ 164 از جابر نقل کرده است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در جنگ طائف با علی در گوشی سخن گفت و این گفتگو به درازا کشید. یکی از آن دو مرد گفت: «جداً رازگویی درازی با پسر عمّش داشت.»

این کلام به آن حضرت رسید فرمود: «من با او راز نگفتم بلکه خدا بود که با او راز گفت.» و مانند این از انس نقل شده است. مناقب سیدنا علی علیه‌السلام، 34. نیز مراجعه فرمایید به سنن ترمذی، 5/ 639.

[117] (1). الجامع الصغير، ج 2، 160 به نقل از المستدرک (به طور صحیح). و در همان اثر ص 173، ح 2 چنین ثبت است: «هر که به علی ناسزا گوید به من ناسزا گفته و هر که به من ناسزا گوید در حقیقت به خدا ناسزا گفته است.» از احمد در المسند و حاکم نیشابوری در المستدرک (به طور صحیح). و در کتاب کنوز الحقائق، ج 2، ص 193 به نقل از طبرانی چنین آمده است. «یا علی، محب تو دوستدار من است و دشمنت دشمن من خواهد بود.»

[118] (1). مناقب سیدنا علی علیه السلام، 49؛ تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه السلام)، 280: 811/2؛ ذخائر العقبی 93 به نقل از ابی حمراء؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، 9/ 168. [119] (1). [مطابق روایاتی که از طریق شیعه رسیده‌اند این ندا در غزوه احد بلند شد که شمشیر علی علیه السلام شکست و جبرئیل ذوالفقار را آورد و این ندا را هم سر داد.] [120] (2). المناقب خوارزمی، 167/ 200؛ تاریخ دمشق (ترجمة الامام علی علیه السلام)، 158197: 1.

و ابن هشام در السیرة النبویه، 100: 2، ابن جوزی در تذکرة الخواص، 30. در این اثر روایت است که حسان بن ثابت (شاعر رسول خدا صلی الله علیه و آله) از حضرت، اجازه خواست در این خصوص شعری بسراید. ایشان اجازه فرمود و اشعاری سرود که ترجمه آن چنین است: «جبرئیل آشک -- ار ن -- دا داد، در حالی که خودش دیده نمی‌شد؛ و مسلمانان حلقه زده بودند، به گرد پیامبر فرستاده؛ شمشیری جز ذوالفقار، و جوان مردی جز علی نیست»

[121] (1). [در تاریخ بغداد، به جای «رحمت»، «جنت» آمده است

[122] (2). حلیة الاولیاء، 66: 1؛ المناقب خوارزمی، 311/ 311.

نیز مراجعه شود به مناقب سیدنا علی علیه السلام، ص 62.

[123] (1). المناقب خوارزمی، 177/ 215؛ الجامع الصغير سیوطی، ح 5591.

حاکم در المستدرک، 129: 3 از جابر بن عبدالله نقل کرده است که گفت: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که بازوی علی بن ابی طالب را گرفته بود با صدای بلند فرمود: «این علی امیر ابرار، کُشنده فاجران است؛ کسی که به یاری اش برخیزد پیروز و کسی که او را خوار کند خوار خواهد شد.»

و در الجامع الصغير، 66: 2 آمده است: «علی امام ابرار، قاتل تبهکاران است؛ کسی که به او کمک کند یاری می‌شود و هر کس او را سرافکنده کند، سرافکنده خواهد شد.» به نقل از حاکم (به عنوان حدیث حسن)

[124] (1). مناقب سیدنا علی، 25؛ مجمع الزوائد، 9/ 131؛ کنز العمال، 156: 13/ 36483.

[125] (1). تاریخ بغداد، 317 316: 1 ح 206. خطیب بغدادی این حدیث را از منصور از پدرش محمد بن علی از پدرش علی بن عبدالله از پدرش عبدالله بن عباس و از جابر این گونه روایت کرده است: «خداوند ذریه هر پیامبری را در پشت همان پیامبر قرار داد و ذریه مرا در صلب علی بن ابی طالب نهاده است.» الفردوس، 172: 1/ 643؛ کنز العمال، 32892؛ امالی شجری، 152: 1. $\backslash E \ast \ast \ast Y]$ سپاس بی‌کران خدای یگانه را که توفیق ترجمه این اثر ارزشمند را به بنده ناچیز ارزانی داشت.

امید آن که خداوند به ما توفیق دهد که در مسیر زندگی خود همواره پیرو خاندان رسالت باشیم و آنان را اسوه و الگویی شایسته برای خود بدانیم.

آل النبی ذریعتی و هم الیه وسیلتی

ارجوا بهم اعطی غداً بیدی الیمین صحیفتی (ینابیع المودة، ص 307)

خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دست آویز من هستند و آنان وسیله (تقرب) من به خدا هستند.

آرزو می‌کنم به خاطر آنها، فردای قیامت نامه عملم را به دست راستم بدهند. بفضلہ و کرمہ

فهرست مطالب

2	سخن مترجم
5	مقدمه مؤلف
11	علی علیه السلام امیر غدیر
12	علی علیه السلام هادی امت
12	ورود به شهر علم پیامبر صلی الله علیه و آله
13	علی علیه السلام دو کفه ترازوی علم پیامبر صلی الله علیه و آله
14	یاد علی علیه السلام عبادت است
14	پیغمبر و علی علیهما السلام از یک ریشه‌اند
15	کارزار علی علیه السلام بر تأویل ق
16	علی علیه السلام حجت خدا بر بندگان
16	افتخار به علی علیه السلام
17	بشارت به علی علیه السلام
17	جواز عبور از صراط
18	همراه با پیامبر در بهشت
18	دشمنی علی علیه السلام و خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله
19	بهشت آرزوی دیدار امام علی علیه السلام را دارد
19	حق امام علی علیه السلام بر عهده مسلمانان
20	محبت امام علی علیه السلام، نابودکننده گناهان
20	دوستی امام علی علیه السلام برائت از آتش
21	محبت امام علی علیه السلام عمل صالح است
22	امام علی علیه السلام دوست رسول خدا صلی الله علیه و آله

- 23 محبوب‌ترین مردم نزد رسول‌اکرم صلی الله علیه و آله
- 24 کامروایان رستاخیز
- 24 مَحْرَمِ اسرار پیامبر صلی الله علیه و آله
- 25 بهترین راستگویان (صدیق اعظم)
- 26 حامل لوای حمد
- 27 منزلت علی علیه‌السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله
- 27 همانند هارون علیه‌السلام نسبت به موسی علیه‌السلام
- 28 عینیت با پیامبر صلی الله علیه و آله
- 29 علی علیه‌السلام در آمرزش الهی
- 30 تقسیم‌گر آتش دوزخ
- 31 نخستین گروه بهشتی
- 32 خدایا! دوستش بدار
- 33 پیشوای اهل تقوا
- 34 علی علیه‌السلام در بهشت
- 35 سهم علی علیه‌السلام از حکمت الهی
- 36 علی علیه‌السلام و قرآن
- 37 معیار ایمان و نفاق
- 37 پیامبر و علی علیهما السلام از یک نورند
- 39 برتری ایمان علی علیه‌السلام بر هر ایمانی
- 40 عبادت بدون ولایت امیر مؤمنان علیه‌السلام اثری ندارد
- 41 پیام‌رسان برائت
- 42 سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ولایت‌پذیری
- 43 علی علیه‌السلام کفو (همتای) فاطمه سلام الله علیها
- 44 اگر در دل همه، مهر علی علیه‌السلام بود

45	علی علیه السلام جدا کننده بین حق و باطل
46	ارزش مبارزه علی علیه السلام
47	دشمن علی علیه السلام غیر مسلمان است
47	سزای توهین به علی علیه السلام
48	نام علی علیه السلام بر سر در بهشت
48	علی علیه السلام همانند سوره اخلاص است
49	نظر به ماه رخسار علی علیه السلام عبادت است
49	افضل امامان علیهم السلام
50	حدیث جواز
50	اسلام و ایمان علی علیه السلام
51	مواسات امام علی علیه السلام
52	امارت امیر مؤمنان علیه السلام
52	دوستدار علی علیه السلام دوستدار رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم است
53	دور ساختن منافقان از حوض کوثر
53	راه رفتن در زمین بر دشمن علی علیه السلام حرام است
54	هدیه فرشتگان به شیعیان علی علیه السلام
55	آزردن علی علیه السلام اذیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است
56	همه درها جز در خانه علی علیه السلام را ببندید
57	پرچمدار رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در هر دو سرا
58	قاتل علی علیه السلام، تیره بخت ترین امت
59	زینت علی علیه السلام
60	صاحب حوض کوثر
61	نخستین مسلمان
61	علی علیه السلام برادر پیامبر صلی الله علیه و آله

- 62 برادر و وزیر پیامبر صلی الله علیه و آله
- 62 راه علی علیه السلام حق است
- 63 کینه‌های پنهان
- 64 پدرم فدای شهید تنها!
- 65 هم‌درجه پیامبر صلی الله علیه و آله
- 66 پرسش در قیامت
- 68 به دوستی علی علیه السلام فرزندان را بشناسید
- 69 راهنمایی پیامبر صلی الله علیه و آله
- 70 بیت رفیع علی و فاطمه علیهما السلام
- 71 توصیه درباره علی علیه السلام
- 72 خداوند، دل علی علیه السلام را به ایمان آزموده است
- 73 علم علی علیه السلام
- 74 حکمت امام علی علیه السلام
- 75 اولین از اولوا الامر
- 76 وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله
- 77 پیشی گیرندگان
- 78 برترین انسان‌ها
- 78 بهترین انسان
- 79 نخستین مسلمان
- 79 هم‌نشینان پیامبر صلی الله علیه و آله در بهشت
- 80 اطاعت علی علیه السلام، اطاعت پیامبر صلی الله علیه و آله
- 81 خصال سه گانه
- 82 حدیث کساء
- 83 علی و فاطمه علیهما السلام از من هستند

84	فضائل ویژه علی علیه السلام
86	خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله
87	معلم و مربی امام علی علیه السلام
88	قرین قرآن
89	امام علی علیه السلام بهترین امت
89	سرانجام ما و شیعیان
90	خدا با علی علیه السلام راز گفت
91	مهرورزی به امام علی علیه السلام
91	همانند انبیا علیهم السلام
92	جوان مردی جز علی علیه السلام نیست
93	امام اولیای خدا
94	امیر نیکوکاران
95	پیروان علی علیه السلام
96	خداوند او را بیشتر دوست دارد
97	فهرست منابع
135	فهرست مطالب